



بورس اوراق بهادار تهران

رویکردی تحلیلی بر بخش های اقتصاد ایران و چشم انداز سال پیش رو

(ویراست دوم)

معاونت توسعه
مدیریت تحقیق و توسعه
فروردین ۱۳۹۷



بورس اوراق بهادار تهران

مدیریت تحقیق و توسعه

شناسنامه سند

عنوان: رویکردی تحلیلی بر بخش‌های اقتصاد ایران و چشم‌انداز سال پیش‌رو

تهیه کننده: دکتر مهدی ذوالفقاری

تاریخ انتشار: فروردین ماه ۱۳۹۶

شماره ویراست: دوم

توضیحات: ویرایش جدید نسبت به گزارش پیشین (تاریخ انتشار اسفند ۱۳۹۵) به شرح زیر اصلاح شده است:

- در بخش «مروری بر روند رشد اقتصادی طی یک دهه گذشته» تحلیل آمارها تا ۹ ماه نخست سال ۱۳۹۶ و براساس پایگاه داده‌ی بانک مرکزی به‌روز شده است. در ویراست اول اطلاعات تا ۹ ماه نخست سال ۱۳۹۵ براساس پایگاه داده‌ی مرکز آمار ایران ارائه شده بود.
- در بخش پیش‌بینی اقتصاد ایران از گزارش‌های منتشرشده نهادهای بین‌المللی و داخلی در پایان سال ۱۳۹۶ استفاده شده است.
- در بخش «تحلیلی بر نرخ تورم و پیش‌بینی آن در سال ۱۳۹۷» تحلیل آمارها تا پایان سال ۱۳۹۶ به‌روز شده است. در ویراست اول اطلاعات تا ۱۱ ماه نخست سال ۱۳۹۵ ارائه شده بود.
- در ویراست دوم بخش جدیدی تحت عنوان «پیش‌بینی قیمت جهانی نفت، طلا و فلزات اساسی» به گزارش افزوده شده است.

فهرست

- چکیده ۱
- ۱- مروری بر روند رشد اقتصادی طی یک دهه گذشته ۲
- ۱-۱- تولید ناخالص داخلی (رویکرد ارزش افزوده) ۳
- ۱-۱-۱ گروه صنایع و معادن ۶
- ۱-۱-۲ گروه خدمات ۹
- ۲-۱- تولید ناخالص داخلی (رویکرد هزینه‌ای) ۱۲
- ۲- پیش‌بینی اقتصاد ایران در سال ۱۳۹۷ ۱۷
- ۱-۲- پیش‌بینی نهادهای بین‌المللی ۱۷
- ۱-۱-۲ صندوق بین‌المللی پول ۱۷
- ۲-۱-۲ بانک جهانی ۲۱
- ۳-۱-۲ مؤسسه‌ی تردینگ اکونومیکس ۲۲
- ۲-۲- پیش‌بینی نهادهای داخلی از وضعیت اقتصاد ایران در سال ۱۳۹۷ ۲۵
- ۱-۲-۲ مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ۲۵
- ۲-۲-۲ سازمان برنامه و بودجه ۲۶
- ۳- تحلیلی بر نرخ تورم و پیش‌بینی آن در سال ۱۳۹۷ ۲۸
- ۱-۳- مروری بر روند نرخ تورم طی یک دهه گذشته ۲۸
- ۲-۳- پیش‌بینی نرخ تورم ایران در سال ۱۳۹۷ از نگاه نهادهای بین‌المللی و داخلی ۲۹
- ۳-۳- پیش‌بینی نرخ تورم برای سال ۱۳۹۷ ۳۰
- ۴- تحلیل بر نرخ ارز و پیش‌بینی آن در سال ۱۳۹۷ ۳۴
- ۵- پیش‌بینی قیمت جهانی نفت، طلا و فلزات اساسی ۳۶
- ۶- جمع‌بندی ۳۷

فهرست نمودار

- نمودار ۱: تولید ناخالص داخلی در ده سال گذشته (هزار میلیارد ریال) ۴
- نمودار ۲: نرخ رشد تولید ناخالص داخلی در ده سال گذشته (درصد) ۴
- نمودار ۳: ارزش افزوده رشته فعالیت‌های اقتصادی در ده سال گذشته (هزار میلیارد ریال) ۵
- نمودار ۴: سهم ارزش افزوده رشته فعالیت‌های اقتصادی از تولید ناخالص داخلی در ده سال گذشته (درصد) ۶
- نمودار ۵: ارزش افزوده بخش‌های گروه صنایع و معادن در ده سال گذشته (هزار میلیارد ریال) ۷
- نمودار ۶: نرخ رشد ارزش افزوده بخش‌های گروه صنایع و معادن در ده سال گذشته (درصد) ۸
- نمودار ۷: سهم ارزش افزوده بخش‌های گروه صنایع و معادن از تولید ناخالص داخلی (درصد) ۸
- نمودار ۸: ارزش افزوده بخش‌های گروه خدمات در ده سال گذشته (هزار میلیارد ریال) ۱۱
- نمودار ۹: نرخ رشد ارزش افزوده بخش‌های گروه خدمات (درصد) ۱۱
- نمودار ۱۰: سهم ارزش افزوده بخش‌های گروه خدمات از تولید ناخالص داخلی (درصد) ۱۲
- نمودار ۱۱: اجزای تولید ناخالص داخلی در ده سال گذشته (هزار میلیارد ریال) ۱۵
- نمودار ۱۲: نرخ تورم طی سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۶ (درصد) ۲۹
- نمودار ۱۳: روند نقدینگی و اجزای آن از سال ۱۳۸۶ تا شش ماه نخست سال ۱۳۹۶ (میلیارد ریال) ۳۱
- نمودار ۱۴: نرخ رشد نقدینگی و نرخ تورم از ۱۳۸۶ تا شش ماه نخست سال ۱۳۹۶ (درصد) ۳۱
- نمودار ۱۵: نرخ رشد نقدینگی و اجزای آن از ۱۳۸۶ تا شش ماه نخست سال ۱۳۹۶ (درصد) ۳۲
- نمودار ۱۶: درصد تغییرات نرخ دلار (آزاد) و تورم از طی سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۶ (درصد) ۳۳
- نمودار ۱۷: روند نرخ دلار آزاد طی سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۶ (ریال) ۳۵

فهرست جدول:

- جدول ۱: نرخ رشد عناصر تشکیل دهنده تولید ناخالص داخلی به قیمت بازار گذشته (درصد) ۱۶
- جدول ۲: سهم عناصر تشکیل دهنده تولید ناخالص داخلی به قیمت بازار (درصد) ۱۶
- جدول ۳: برآورد و پیش‌بینی صندوق بین‌المللی پول از وضعیت متغیرهای اقتصادی ایران طی سال‌های ۲۰۱۶ الی ۲۰۲۲ ۱۹
- جدول ۴: برآورد و پیش‌بینی بانک جهانی از رشد اقتصادی جهان، خاورمیانه و ایران طی سال‌های ۲۰۲۰-۲۰۱۵ (درصد) ۲۱
- جدول ۵: برآورد و پیش‌بینی دوره‌ای مؤسسه TRADING ECONOMICS از متغیرهای اقتصادی ایران در افق ۲۰۲۰ ۲۲
- جدول ۶: برآورد و پیش‌بینی مرکز پژوهش‌های مجلس از اقتصاد ایران طی سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ ۲۶
- جدول ۷: برآورد و پیش‌بینی سازمان برنامه و بودجه از وضعیت متغیرهای اقتصادی برای سال ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ ۲۷
- جدول ۸: برآوردهای نهادهای بین‌المللی از نرخ تورم ایران در سال ۲۰۱۷ (درصد) ۳۰
- جدول ۹: پیش‌بینی قیمت نفت، طلا و برخی فلزات اساسی برای سال‌های ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۰ از سوی بانک جهانی (دلار) ۳۶



چکیده

هدف اصلی این گزارش بررسی و تحلیل وضعیت جاری اقتصاد ایران و پیش‌بینی آن برای سال ۱۳۹۷ است. در این رابطه ابتدا به بررسی عناصر تولید ناخالص داخلی طی یک دهه گذشته براساس دو رویکرد ارزش افزوده و هزینه‌ای پرداخته شده است. یافته‌های این بخش نشان می‌دهد، رشد اقتصادی کشور طی سال‌های اخیر از برخی محدودیت‌های نامتعارف (تحریم‌های اقتصادی) و همچنین ناپایداری متغیرهای کلان اقتصادی تأثیر قابل‌توجهی پذیرفته اما با لغو تحریم‌های اقتصادی و ایجاد ثبات نسبی در متغیرهای کلان اقتصادی، رشد اقتصادی در سال‌های پس از ۱۳۹۲ در مسیر صعودی قرار گرفت. در دو سال گذشته به دنبال عدم لغو کامل تحریم‌های اقتصادی و موضع سختگیرانه‌ی رئیس‌جمهور جدید آمریکا (و برخی کشورهای همسایه) در قبال توافق هسته‌ای و برخی چالش‌های سیاسی در منطقه منجر به ایجاد برخی تردیدها در تداوم رشد بالای اقتصاد ایران شده است. در ادامه گزارش با گردآوری پیش‌بینی‌های صورت گرفته توسط نهادهای بین‌المللی و داخلی به بررسی پیش‌بینی‌های این نهادها از وضعیت اقتصاد کشور در سال ۱۳۹۷ پرداخته شده است. پیش‌بینی نهادهای بین‌المللی از رشد اقتصادی ایران در سال ۱۳۹۷ در دامنه ۳/۸ تا ۴/۸ درصد است که دلیل این رشد مثبت از نگاه این نهادها، لغو تحریم‌های اقتصادی و تأثیر آن بر افزایش صادرات نفت و تقاضای داخلی است. پیش‌بینی رشد اقتصادی ایران از سوی نهادها بین‌المللی نیز تحت تأثیر تحولات سیاسی قرار گرفته و نسبت به پیش‌بینی‌های آنها در گزارش‌های قبلی کمتر ارزیابی شده است. پیش‌بینی نهادهای داخلی از رشد اقتصاد ایران نیز در دامنه ۳ تا ۵/۷ درصد قرار گرفته است. در ادامه گزارش با توجه به اهمیت دو متغیر تورم و نرخ ارز به بررسی، تحلیل و پیش‌بینی این دو متغیر پرداخته شده است. براساس پیش‌بینی‌های صورت گرفته از سوی نهادهای داخلی انتظار می‌رود، نرخ تورم تا پایان سال جاری با شیب مثبت (به دلیل تخلیه اثر رشد نقدینگی سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۵، تعدیل انتظارات تورمی و افزایش نرخ ارز) افزایش یابد. با توجه به جهش حدود ۲۵ درصدی نرخ دلار در زمان تنظیم این گزارش و تلاش دولت و بانک مرکزی برای کنترل بازار ارز و کاهش نرخ آن، پیش‌بینی نرخ دلار تا پایان سال ۱۳۹۷ با ابهام مواجه است. با این وجود در صورت موفقیت سیاست‌های کنترلی، انتظار می‌رود نرخ دلار با نرخ تورم تعدیل گردد. در پایان، پیش‌بینی‌های صورت گرفته از بازارهای جهانی نیز حاکی از افزایش قیمت نفت و گاز، افزایش قیمت اکثر فلزات اساسی (به استثنای سنگ آهن) و کاهش قیمت جهانی فلزات گران‌بها است که می‌تواند تأثیر مثبتی بر بخش صادرات کشور داشته باشد. شایان ذکر است، پیش‌بینی‌های صورت گرفته بدون لحاظ ملاحظات سیاسی صورت گرفته است.

۱- مروری بر روند رشد اقتصادی طی یک دهه گذشته

رشد اقتصادی فرآیندی است پایدار که در اثر آن ظرفیت تولیدی اقتصاد طی زمان افزایش می‌یابد و سبب افزایش سطح درآمد ملی می‌شود. بر این اساس رشد اقتصادی عبارت است از افزایش مداوم تولید ناخالص ملی (GNP) یا تولید ناخالص داخلی (GDP) یک کشور^۱ به قیمت‌های ثابت در یک سال خاص در مقایسه با مقدار آن در سال پایه. علت محاسبه رشد اقتصادی با استفاده از قیمت‌های سال پایه، حذف اثرات تورم و لحاظ افزایش میزان تولیدات در محاسبه تولید ناخالص ملی (داخلی) است. پیش از بررسی آماری تولید ناخالص داخلی، لازم به ذکر است برای محاسبه این متغیر معمولاً از دو روش زیر استفاده می‌شود:

۱. رویکرد ارزش افزوده

۲. رویکرد هزینه‌ای

رویکرد ارزش افزوده

برای محاسبه‌ی تولید ناخالص داخلی به روش ارزش‌افزوده باید بدانیم مجموع ارزش کالاها و خدمات نهایی، با مجموع ارزش‌افزوده مراحل مختلف تولید برابر است. از طرف دیگر هر یک از کالاها و خدمات تولید شده در جامعه، متعلق به یکی از بخش‌های اقتصادی آن جامعه می‌باشد. بنابراین در محاسبه‌ی تولید ناخالص داخلی به روش ارزش افزوده به جای محاسبه‌ی ارزش افزوده تک تک کالاها و خدمات می‌توان ارزش افزوده بخش‌های مختلف اقتصادی را در طول سال محاسبه نموده و با هم جمع کرد. برای محاسبه تولید ناخالص داخلی به روش ارزش افزوده، اقتصاد ایران به چهار بخش زیر تقسیم می‌شود که هر یک از این بخش‌ها نیز خود دارای زیر بخش‌هایی می‌باشند:

الف - بخش کشاورزی : شامل زراعت، دامپروری، شکار، جنگل‌بانی، ماهی‌گیری و....

ب - بخش نفت : شامل نفت خام و فرآورده‌های نفتی

ج - بخش صنایع و معادن : شامل معدن، صنعت، آب و برق و گاز و ساختمان

د - بخش خدمات : شامل بازرگانی رستوران و هتل‌داری، حمل و نقل، ارتباطات و خدمات، مؤسسات پولی و مالی، خدمات عمومی و.....

رویکرد هزینه‌ای

در این روش کل مخارج صرف‌شده بر روی کالاها و خدمات نهایی که توسط خانوار، بنگاه‌ها، دولت و خریداران خارجی انجام می‌شود محاسبه می‌شود.

در این گزارش براساس هر دو روش به بررسی ساختار تولید ناخالص داخلی و پیش‌بینی آن پرداخته شده است.

۱. تفاوت عمده بین محاسبات تولید ناخالص داخلی و تولید ناخالص ملی این است که از یک‌سو کالاها و خدمات تولید شده در داخل توسط شرکت‌های خارجی در محاسبه تولید ناخالص ملی لحاظ نمی‌شوند و از سوی دیگر کالاها و خدمات تولید شده در خارج توسط شرکت‌های داخلی در محاسبه تولید ناخالص ملی لحاظ می‌گردد.



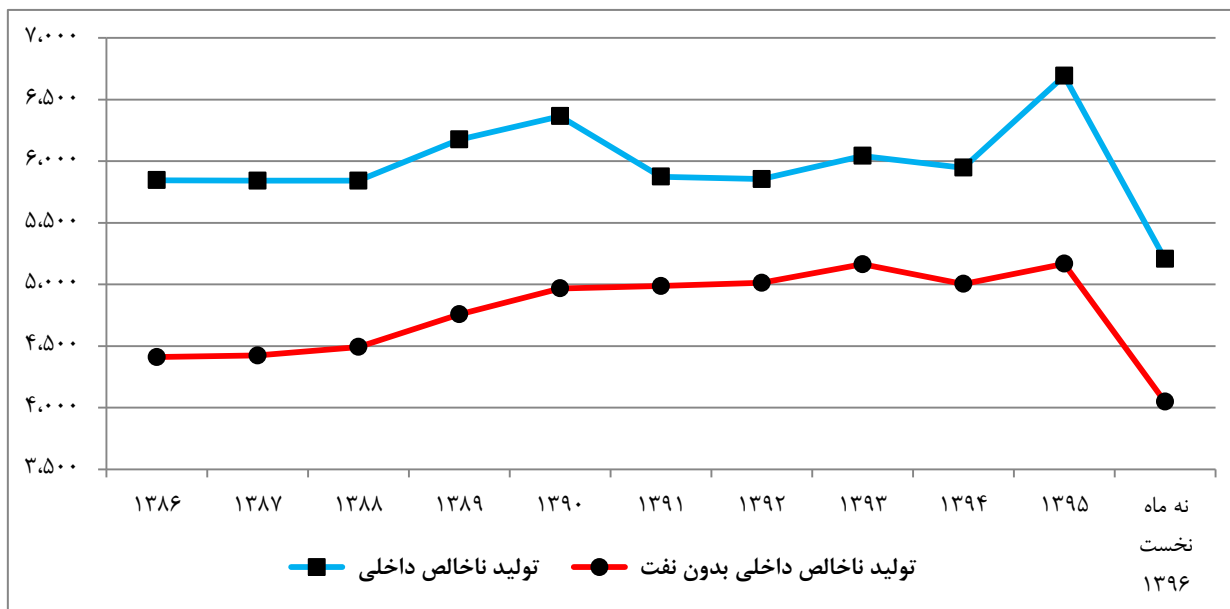
۱-۱- تولید ناخالص داخلی (رویکرد ارزش افزوده)

نمودارهای (۱) و (۲) به ترتیب ارزش ریالی تولید ناخالص داخلی کل و بدون نفت (به قیمت ثابت سال ۱۳۹۰) و نرخ رشد اقتصادی را طی سال‌های ۱۳۸۶ تا نه ماه نخست سال ۱۳۹۶ نشان می‌دهند. براساس آمار منتشرشده توسط بانک مرکزی تولید ناخالص داخلی کشور تا سال ۱۳۹۰ باوجود رشد ناپایدار، روند افزایشی داشت. این روند افزایشی در سال ۱۳۹۱ با افت ۷/۷۱ درصدی به یک‌باره دچار سقوطی شدید شد که مهمترین دلیل آن افت ۳۶/۵۳ درصدی ارزش افزوده بخش نفت (به دلیل تحریم‌های نفتی تحمیل‌شده بر صادرات نفت) بود. در این سال تولید ناخالص داخلی بدون نفت با رشد محدود ۰/۳۹ درصد همراه بود. در سال ۱۳۹۲ نیز کماکان تولید ناخالص داخلی با افت محدود ۰/۳۳ درصدی همراه شد. این در حالی بود که رشد تولید ناخالص داخلی بدون نفت مثبت اما اندک (۵۳/۰ درصد) بود. طی این دوره علاوه بر کاهش ارزش افزوده نفت (به دلیل تشدید تحریم‌های اقتصادی) (افت ۵/۱۳ درصدی)، تورم بالا، تداوم رکود در بخش صنایع و معادن (افت ۴/۱۸ درصدی ارزش افزوده گروه صنایع و معادن) در کنار سیاست‌های ناکارآمد دولت موجب منفی شدن رشد اقتصادی شد. منفی شدن رشد اقتصادی در این سال‌ها، اتفاق بی‌سابقه‌ای در دوران پس از جنگ در اقتصاد ایران بود؛ چراکه اقتصاد کشور، نرخ رشد اقتصادی منفی را در دوران پس از جنگ تجربه نکرده بود. در ادامه حصول توافقات هسته‌ای بین ایران و کشورهای گروه ۵+۱ و به دنبال آن کاهش هزینه مبادلات تجاری، موجب بهبود چشم‌انداز اقتصادی کشور شد که نتیجه آن رشد ۳/۲۱ درصدی تولید ناخالص داخلی (و رشد ۲/۹۹ درصدی تولید ناخالص داخلی بدون نفت) در سال ۱۳۹۳ بود. با این وجود با توجه به تداوم وضعیت رکودی در اقتصاد کشور، کندی رفع تحریم‌ها به‌ویژه در حوزه نقل و انتقالات پولی و تداوم سیاست ضدتورمی دولت موجب شد تا در سال ۱۳۹۴ تولید ناخالص داخلی بدون نفت افت ۳/۰۹ درصدی را تجربه کند. با این وجود رشد قابل توجه ارزش افزوده نفت که پس از توافقات هسته‌ای منجر به افزایش صادرات آن شده بود، منجر به تعدیل افت تولید ناخالص داخلی شد و رشد تولید ناخالص داخلی کشور را به ۱/۵۹- رساند. اتخاذ تدابیر ویژه دولت در سامان‌دهی انضباط مالی، تقویت حمایت از بخش خصوصی (نظیر کاهش نرخ سود بانکی و افزایش تسهیلات اعطایی)، افزایش دو برابری صادرات نفتی، افزایش تجارت خارجی (نظیر افزایش صادرات محصولات غیر نفتی) و آشکارشدن پیامدهای مثبت برجام در سایر بخش‌های اقتصادی موجب شد تا تولید ناخالص داخلی بدون نفت در سال ۱۳۹۵ با رشد ۳/۲۷ درصدی همراه شود. رشد ۶۱/۵۹ درصدی ارزش افزوده بخش نفت و افزایش سطح صادرات نفت کشور به میزان پیش از تحریم‌های اقتصادی موجب شد تا تولید ناخالص داخلی کل کشور به رشد خیره‌کننده ۱۲/۵۲^۱ (به قیمت پایه) درصدی در این سال نائل شود. تولید ناخالص داخلی در نه ماه نخست سال ۱۳۹۶ (نسبت به مدت مشابه سال گذشته) نیز با رشد ۳/۴ درصدی همراه بود که رشد ۴/۶ درصدی ارزش افزوده بخش صنایع و معادن و رشد ۳/۷ درصدی بخش خدمات دو عنصر کلیدی در این رشد مثبت ارزیابی می‌شوند. با این وجود انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا در اواخر سال ۱۳۹۵ و موضع سختگیرانه کابینه جدید این

۱ بر اساس گزارش بانک مرکزی نرخ رشد تولید ناخالص داخلی برای سال ۱۳۹۵ به قیمت پایه ۱۲/۵۲ و به قیمت بازار ۱۳/۴ درصد بوده است.

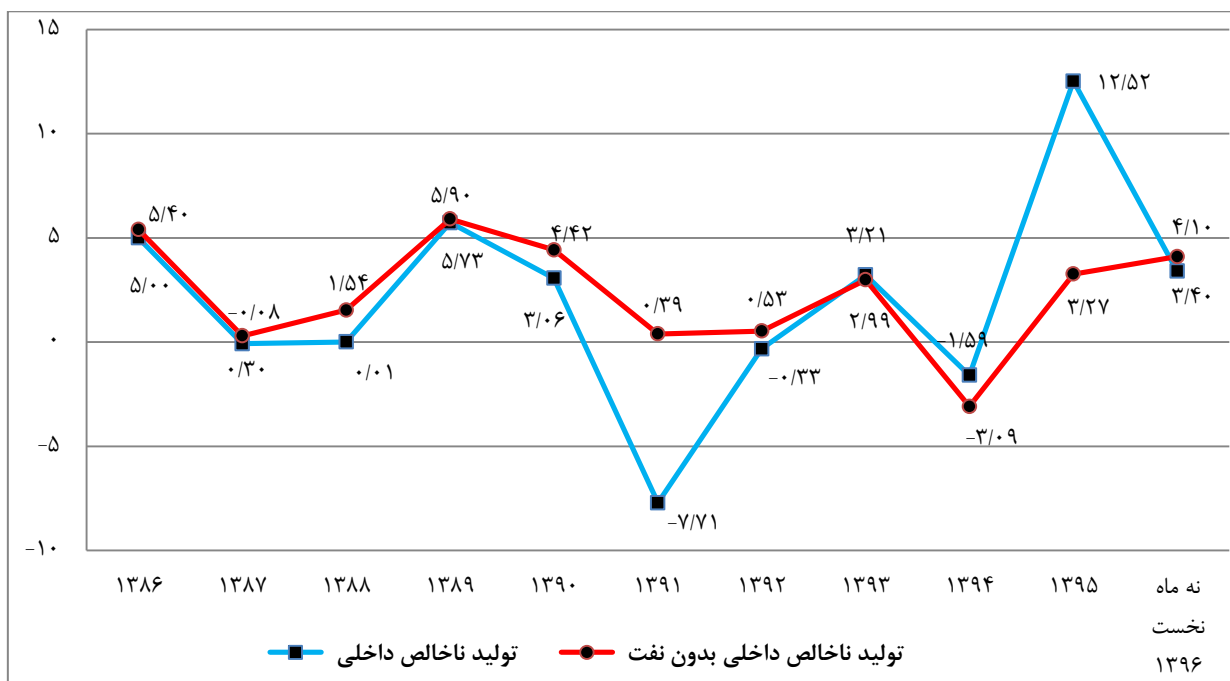
کشور در قبال توافق هسته‌ای در کنار تنش‌های اخیر ایران با برخی کشورهای منطقه خاورمیانه منجر به افزایش ریسک سیاسی سرمایه‌گذاری خارجی در کشور شده است که این موضوع می‌تواند تأثیر منفی بر رشد اقتصادی کشور به واسطه عدم برآورده شدن انتظارات مربوط افزایش سرمایه‌گذاری خارجی در سال ۱۳۹۷ شود.

نمودار ۱: تولید ناخالص داخلی (به قیمت ثابت سال ۱۳۹۰) در ده سال گذشته (هزار میلیارد ریال)



منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

نمودار ۲: نرخ رشد تولید ناخالص داخلی (به قیمت ثابت سال ۱۳۹۰) در ده سال گذشته^۱ (درصد)



منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

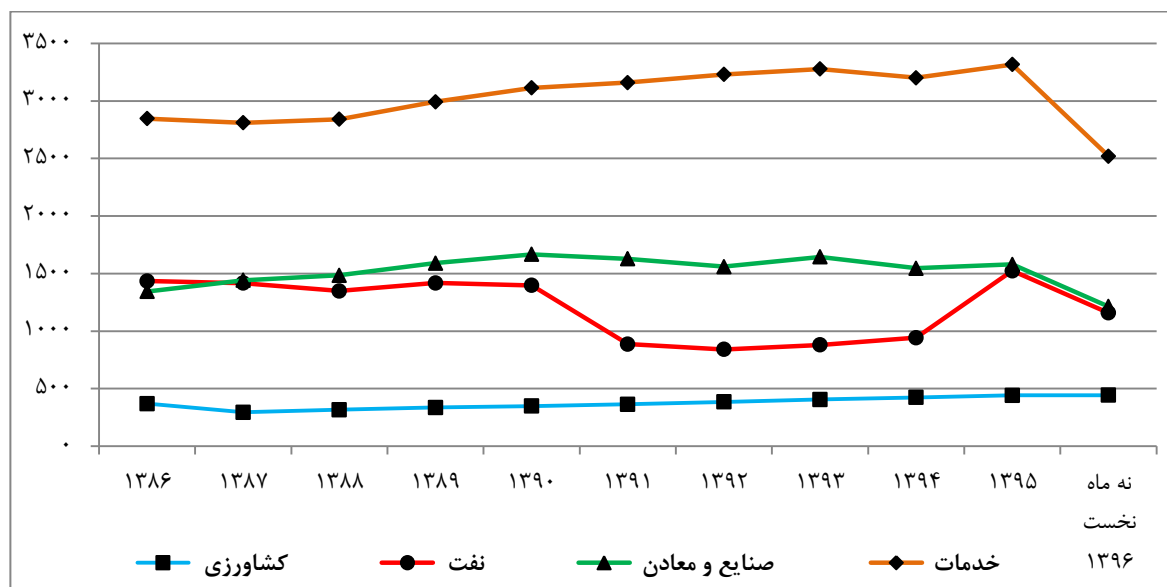
۱ نرخ‌های رشد مربوط به نه ماه نخست سال ۱۳۹۶ به صورت سالانه تعدیل شده است.



نمودارهای (۳) و (۴) به ترتیب ارزش افزوده و سهم هر یک از رشته فعالیت‌های اقتصادی از تولید ناخالص داخلی (به قیمت ثابت سال ۱۳۹۰) را طی سال‌های ۱۳۸۶ تا نه ماه نخست سال ۱۳۹۶ نشان می‌دهد. با بررسی روند ارزش ریالی رشته فعالیت‌های اقتصادی طی این دوره مشاهده می‌شود که افت ارزش افزوده بخش نفت (به میزان ۳۶/۵۳ درصد) و گروه صنایع و معادن (به میزان ۲/۳۵ درصد) در سال ۱۳۹۱ مهمترین عامل تأثیرگذار بر افت تولید ناخالص داخلی در این سال بود. در این سال رشد ارزش افزوده دو گروه کشاورزی و خدمات مثبت و به ترتیب ۴/۶۶ و ۱/۴۸ درصد بود. از سوی دیگر مهمترین عامل رشد تولید ناخالص داخلی در سال ۱۳۹۵ رشد ۶۱/۵۹ درصدی ارزش افزوده بخش نفت بود. در نه ماه نخست سال ۱۳۹۶ نیز رشد ارزش افزوده بخش کشاورزی، نفت، صنایع و معادن و خدمات مثبت و به ترتیب ۴/۱، ۱/۳، ۴/۶ و ۳/۷ درصد بود.

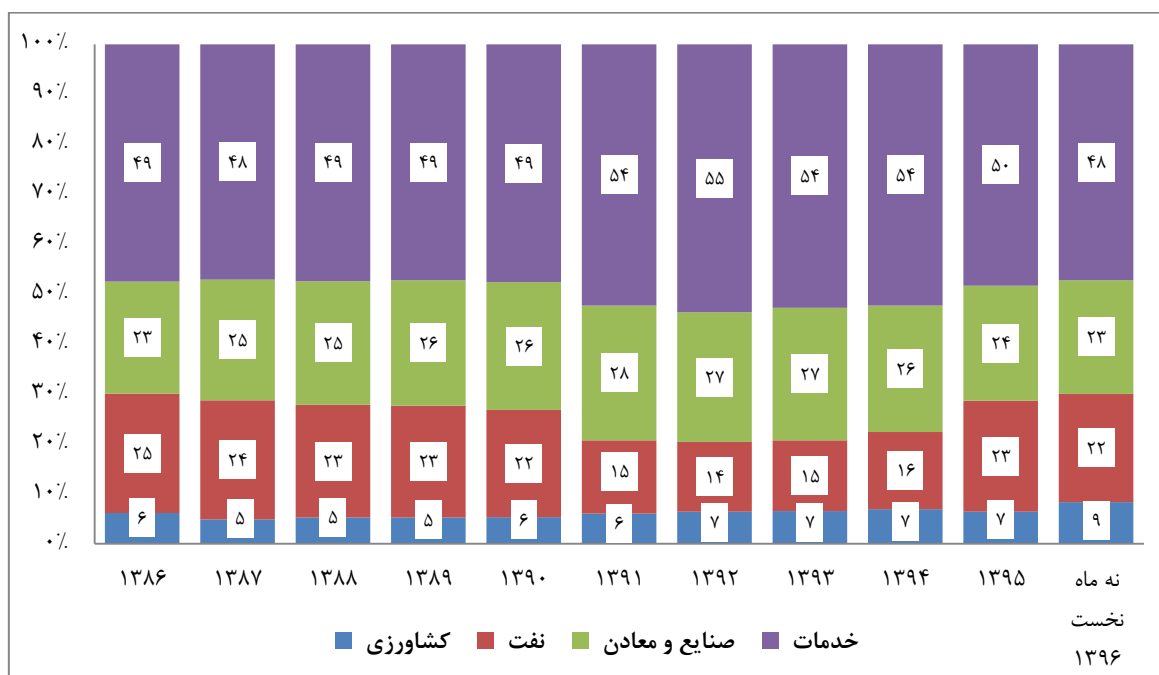
با بررسی سهم گروه‌ها از تولید ناخالص داخلی مشاهده می‌شود، سهم گروه خدمات که در حدود نیمی از تولید ناخالص داخلی را به خود اختصاص می‌دهد، طی دوره ۱۰ ساله بین ۴۷/۷-۵۵/۳ درصد بوده است. سهم ارزش افزوده گروه کشاورزی طی این دوره از ۵ درصد در سال ۱۳۸۷ به ۸/۵ درصد در نه ماه نخست سال ۱۳۹۶ افزایش یافته که این امر بیانگر وجود پتانسیل بالقوه در افزایش ارزش افزوده این بخش با وجود تداوم خشک‌سالی سال‌های گذشته (به شرط مدیریت صحیح منابع آبی و تعمق اقتصاد دانش‌بنیان در این حوزه) است. سهم گروه صنایع و معادن نیز طی سال‌های اخیر از ۲۳ درصد در سال ۱۳۸۶ به ۲۷/۷ درصد در سال ۱۳۹۱ افزایش اما مجدداً به ۲۳/۳ درصد در نه ماه نخست سال ۱۳۹۶ کاهش یافته که مهم‌ترین عامل افت سهم این گروه، رکود بخش مسکن در سال‌های اخیر بوده است. در بررسی‌های بخشی این موضوع شفاف‌تر بیان می‌شود. سهم بخش نفت نیز از ۲۴/۵ درصد در سال ۱۳۸۶ به دنبال تحریم‌های نفتی به ۱۴/۴ درصد در سال ۱۳۹۲ کاهش یافت اما پس از لغو تحریم‌های مذکور و افزایش صادرات نفت، سهم این گروه مجدداً به ۲۲/۲ درصد در نه ماه نخست سال ۱۳۹۶ رسید.

نمودار ۳: ارزش افزوده رشته فعالیت‌های اقتصادی (به قیمت ثابت سال ۱۳۹۰) در ده سال گذشته (هزار میلیارد ریال)



منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

نمودار ۴: سهم ارزش افزوده رشته فعالیت‌های اقتصادی از تولید ناخالص داخلی در ده سال گذشته (درصد)



منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

با توجه به اهمیت زیربخش‌های دو گروه صنایع و معادن و خدمات در ادامه به بررسی روند زیربخش‌های این گروه‌ها پرداخته می‌شود.

۱-۱-۱ گروه صنایع و معادن

در حساب‌های ملی گروه صنایع و معادن به چهار بخش (۱) صنعت، (۲) معدن، (۳) ساختمان و (۴) تأمین آب، برق و گاز تقسیم می‌شود. نمودارهای (۵)، (۶) و (۷) به ترتیب ارزش افزوده، رشد و سهم هر یک از بخش‌های چهارگانه گروه صنایع و معادن از تولید ناخالص داخلی را طی سال‌های ۱۳۸۶ تا نه ماه نخست سال ۱۳۹۶ نشان می‌دهند.

براساس نمودارهای زیر بخش صنعت که بیشترین سهم (حدود ۴۶ درصد) را در این گروه دارد، طی سال‌های گذشته، بطور متوسط ۱۱/۸ درصد از تولید ناخالص داخلی را به خود اختصاص داده است. پس از این بخش ساختمان با متوسط سهم ۲۷ درصد از ارزش افزوده گروه صنایع و معادن در رتبه بعدی قرار دارد. با این وجود سهم این بخش در گروه صنایع و معادن طی سال‌های گذشته از ۳۲/۸ درصد در سال ۱۳۸۷ به ۱۸/۱ درصد در نه ماه نخست سال ۱۳۹۶ کاهش یافته است. سهم این بخش از تولید ناخالص داخلی نیز اگرچه از ۷/۲ درصد در سال ۱۳۸۶ به ۸ درصد در سال ۱۳۹۱ افزایش یافت، اما در چهار سال بعدی با یک روند نزولی به ۴/۲ درصد از تولید ناخالص داخلی کاهش یافت که قابل تأمل است. از این رو به نظر می‌رسد یکی از عوامل کاهنده تأثیرگذار بر افت تولید ناخالص داخلی در سال‌های اخیر، افت ارزش افزوده بخش مسکن باشد. براساس آمار موجود ارزش افزوده بخش مسکن در طول سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ همواره با رشد منفی همراه بوده به گونه‌ای که رشد ارزش افزوده این بخش طی سال‌های مذکور به ترتیب ۳/۲۲-، ۹/۲۵-، ۰/۹۱-، ۱۷/۰۱- و ۱۳/۰۶- درصد بوده است. البته ارزش افزوده این بخش در نه ماه نخست سال ۱۳۹۶ رشد محدودی معادل ۰/۸ درصد داشته است. با بررسی روند این دو بخش با سایر

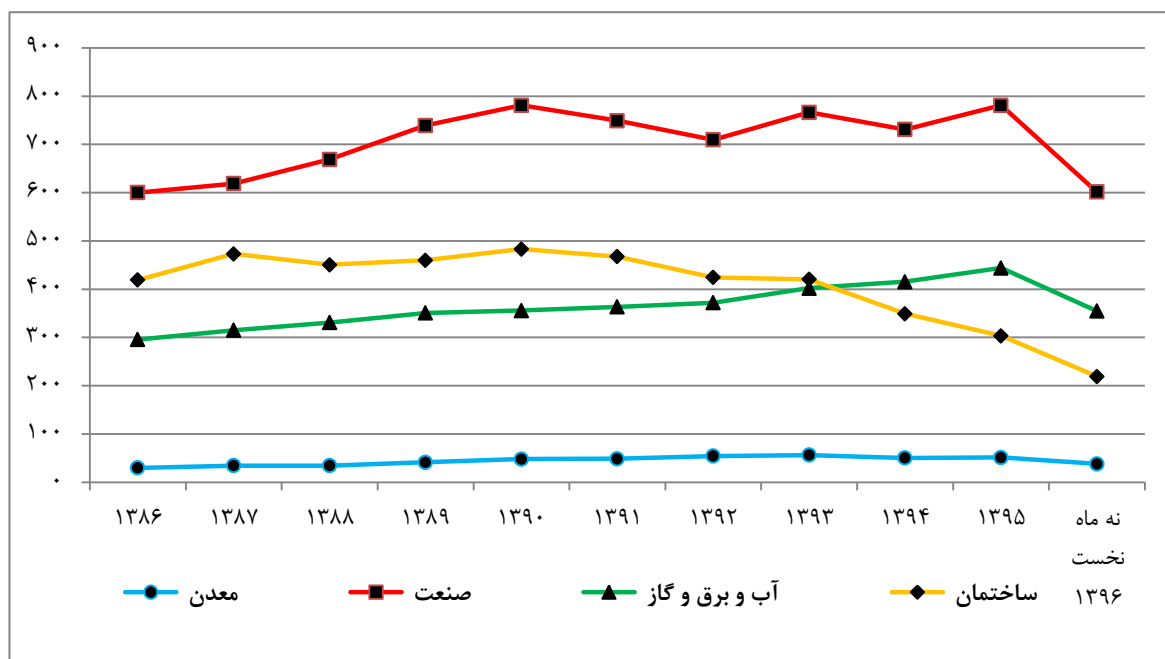


بخش‌ها مشاهده می‌شود که افت ارزش افزوده گروه صنایع و معادن در سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ ناشی از افت ارزش افزوده دو بخش صنعت و ساختمان بوده است.

برخلاف روند کاهش ارزش افزوده بخش مسکن، ارزش افزوده بخش آب، برق و گاز طی سال‌های گذشته رو به رشد بوده به گونه‌ای که سهم این بخش از ارزش افزوده گروه صنایع و معادن از ۲۲ درصد در سال ۱۳۸۶ به ۲۹/۲ درصد در نه ماه نخست سال ۱۳۹۶ افزایش یافته است. همچنین سهم آن از تولید ناخالص داخلی نیز از ۵/۱ درصد در سال ۱۳۸۶ به ۶/۸ درصد در نه ماه نخست سال ۱۳۹۶ افزایش یافته است. بخش معدن نیز با متوسط سهم حدود ۲/۹ درصدی از ارزش افزوده گروه صنایع و معادن و سهم کمتر از یک درصدی از تولید ناخالص داخلی، روند پرنوسانی طی سال‌های اخیر داشته است. رشد ۲۰، ۱۵ و ۱۲ درصدی در سال‌های ۱۳۸۹، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۲ و افت ۱۰/۵ درصدی در سال ۱۳۹۴ بیانگر وجود نوسانات در ارزش افزوده این بخش کوچک از تولید ناخالص داخلی به شمار می‌آید.

در مجموع می‌توان بیان داشت با توجه به سهم قابل توجه و تأثیرگذار بخش صنعت و ساختمان در اقتصاد کشور، تحرک این دو بخش با رقابتی‌سازی صنایع بزرگ، تعمیق اقتصاد دانش بنیان، ساده‌سازی فضای کسب و کار و تقویت بخش‌های مزیت‌دار صنعت در کنار جذب سرمایه‌گذاری خارجی و داخلی به این بخش‌ها ضروری می‌باشد. براساس گزارش سال ۲۰۱۶ مؤسسه مک‌کینزی با عنوان «ایران: فرصت رشد یک تریلیون دلاری^۱»، بخش‌های خودرو، صنایع معدنی نظیر سیمان و فولاد، بخش مواد غذایی و دارو قابلیت رشد و جذابیت سرمایه‌گذاری بیشتری دارند.

نمودار ۵: ارزش افزوده بخش‌های گروه صنایع و معادن (به قیمت ثابت سال ۱۳۹۰) در ده سال گذشته (هزار میلیارد ریال)

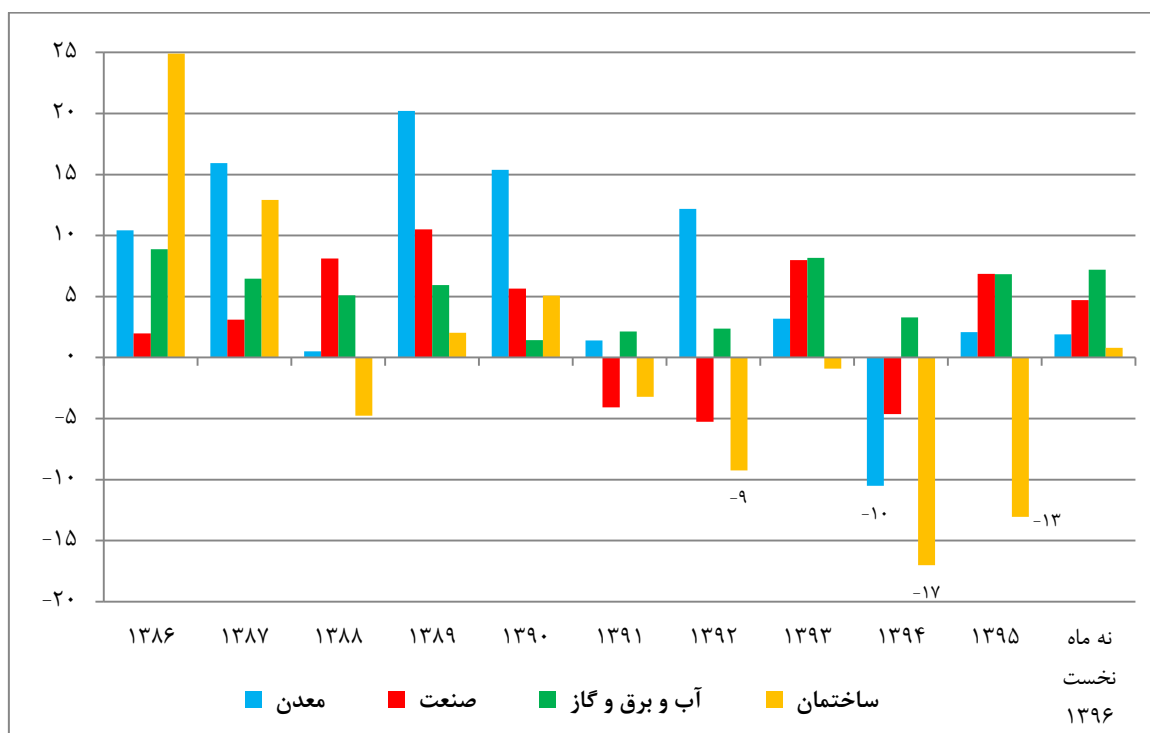


منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

1 “IRAN: The \$1 Trillion Growth Opportunity?”

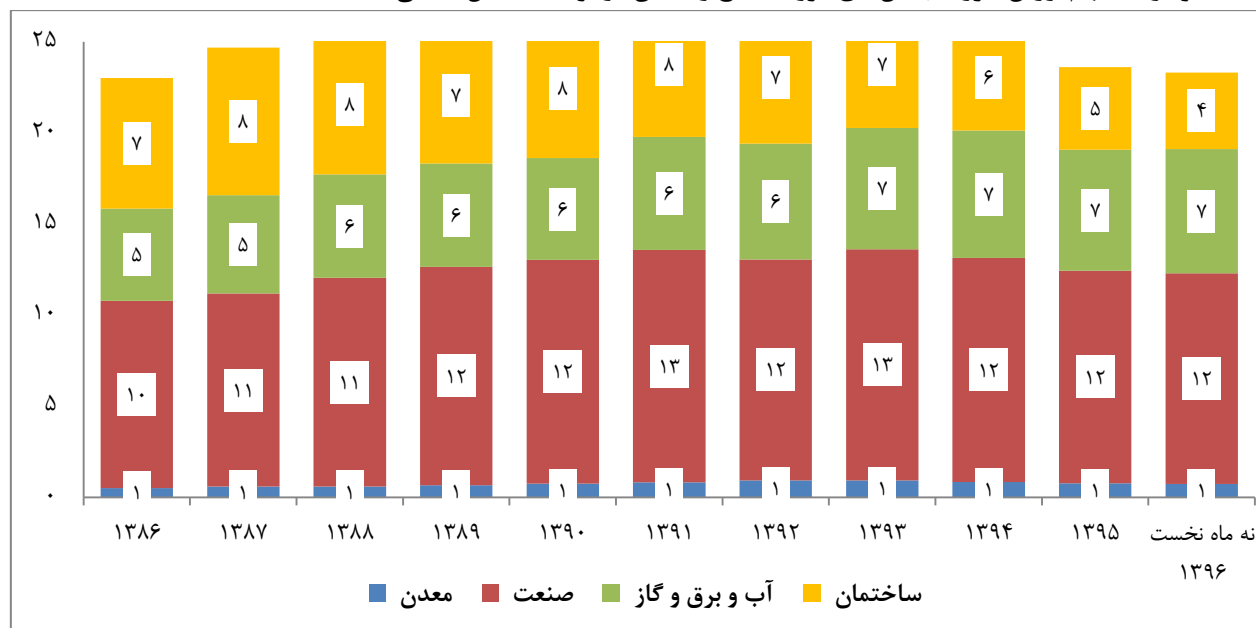


نمودار ۶: نرخ رشد ارزش افزوده بخش‌های گروه صنایع و معادن (به قیمت ثابت سال ۱۳۹۰) در ده سال گذشته (درصد)



منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

نمودار ۷: سهم ارزش افزوده بخش‌های گروه صنایع و معادن از تولید ناخالص داخلی (به قیمت ثابت سال ۱۳۹۰) (درصد)



منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران



۱-۲-۱ گروه خدمات

در حساب‌های ملی گروه خدمات به شش بخش (۱) بازرگانی، رستوران و هتلداری، (۲) حمل و نقل، انبارداری و ارتباطات، (۳) مؤسسات پولی و مالی، (۴) خدمات مستغلات، خدمات حرفه‌ای و تخصصی (۵) خدمات عمومی و (۶) خدمات اجتماعی، شخصی و خانگی تقسیم می‌شود. نمودارهای (۸)، (۹) و (۱۰) به ترتیب ارزش افزوده، رشد و سهم هر یک از بخش‌های شش‌گانه گروه صنایع و معادن از تولید ناخالص داخلی را طی سال‌های ۱۳۸۶ تا نه ماه نخست سال ۱۳۹۶ نشان می‌دهند. بر اساس نمودارهای زیر چهار بخش (۱) بازرگانی، رستوران و هتلداری، (۲) حمل و نقل، انبارداری و ارتباطات، (۳) خدمات مستغلات، خدمات حرفه‌ای و تخصصی و (۴) خدمات عمومی بیش از ۸۵ درصد ارزش افزوده این گروه را تشکیل می‌دهند. برخلاف دو گروه صنایع و معادن و نفت (و همانند گروه کشاورزی)، گروه خدمات به دلیل عدم تأثیرپذیری (یا تأثیرپذیری کمتر نسبت به سایر گروه‌ها) از تحریم‌های بین‌المللی طی سال‌های گذشته روند افزایشی (به‌استثنای سال ۱۳۹۴) با شیب ملایمی را سپری نموده است. در میان بخش‌های این گروه بخش خدمات مستغلات، خدمات حرفه‌ای و تخصصی با متوسط سهم ۲۷ درصدی از گروه خدمات و متوسط سهم ۱۳/۸ درصدی از تولید ناخالص داخلی بیشترین سهم را در میان بخش‌های گروه خدمات دارد. سهم این بخش از گروه خدمات در سال‌های اخیر از ۲۶ درصد در سال ۱۳۸۶ به ۳۰ درصد در نه ماه نخست سال ۱۳۸۶ افزایش یافته که رشد پایدار آن از سال ۱۳۸۶ تا نه ماه نخست سال ۱۳۹۶ (به‌استثنای افت ۱/۲۶ و ۳/۳۶ درصدی در سال‌های ۸۷ و ۸۸) از یک‌سو و افت ارزش افزوده برخی بخش‌ها (نظیر خدمات اجتماعی) دو عامل تأثیرگذار برافزایش سهم این بخش در میان گروه خدمات بوده است. سهم این بخش از تولید ناخالص داخلی نیز از ۱۲/۶ درصد در سال ۱۳۸۶ به ۱۴/۴ درصد در نه ماه نخست سال ۱۳۹۶ افزایش یافته است. پس از این بخش، ارزش افزوده بخش بازرگانی، رستوران و هتلداری با متوسط سهم ۲۳/۵ درصدی از ارزش افزوده گروه در جایگاه بعدی قرار دارد. برخلاف بخش خدمات مستغلات، خدمات حرفه‌ای و تخصصی، سهم ارزش افزوده این بخش از ۲۵ درصد از گروه خدمات در سال ۱۳۸۶ به ۲۱/۹ درصد در نه ماه نخست سال ۱۳۹۶ کاهش یافته است. افت ۸/۲۲ درصدی در سال ۱۳۹۱ و افت ۶/۰۸ درصدی در سال ۱۳۹۴ سهم این بخش در میان بخش‌های گروه خدمات قابل توجه است. سهم این بخش از تولید ناخالص داخلی نیز از ۱۲/۲ درصد در سال ۱۳۸۶ به ۱۰/۶ درصد در نه ماه نخست سال ۱۳۹۶ کاهش یافته است. رکود حاکم در بخش واقعی اقتصاد که منجر به کاهش تجارت و بازرگانی داخلی و خارجی شده است، مهمترین دلیل عدم رونق این بخش در سال‌های اخیر بوده است. در این رابطه باید به این نکته اشاره داشت که یکی از بخش‌ها مهم خدمات کشور که در سال‌های اخیر نیز توجه ویژه‌ای به آن شده و برخی از مؤسسات بین‌المللی نیز آن را به‌عنوان یکی از مزیت‌های سرمایه‌گذاری معرفی کرده‌اند، بخش گردشگری و هتلداری است. به عنوان نمونه مؤسسه جهانی مک‌کینزی یکی از بخش‌های مزیت‌دار اقتصاد ایران برای تحریک رشد اقتصادی را افزایش سرمایه‌گذاری در بخش گردشگری و هتلداری معرفی کرده است. براساس گزارش سال ۲۰۱۶ این مؤسسه، برخورداری کشور ایران از جاذبه‌های گردشگری اعم از تاریخی، طبیعی و تنوع اقلیمی می‌تواند موجب افزایش تعداد گردشگران از ۴ میلیون نفر در سال ۲۰۱۵ به ۱۱ میلیون نفر در سال ۲۰۳۵ شود. علاوه بر این بخش، خرده‌فروشی نیز یکی دیگر از بخش‌های مزیت‌دار از نگاه این مؤسسه بین‌المللی است.

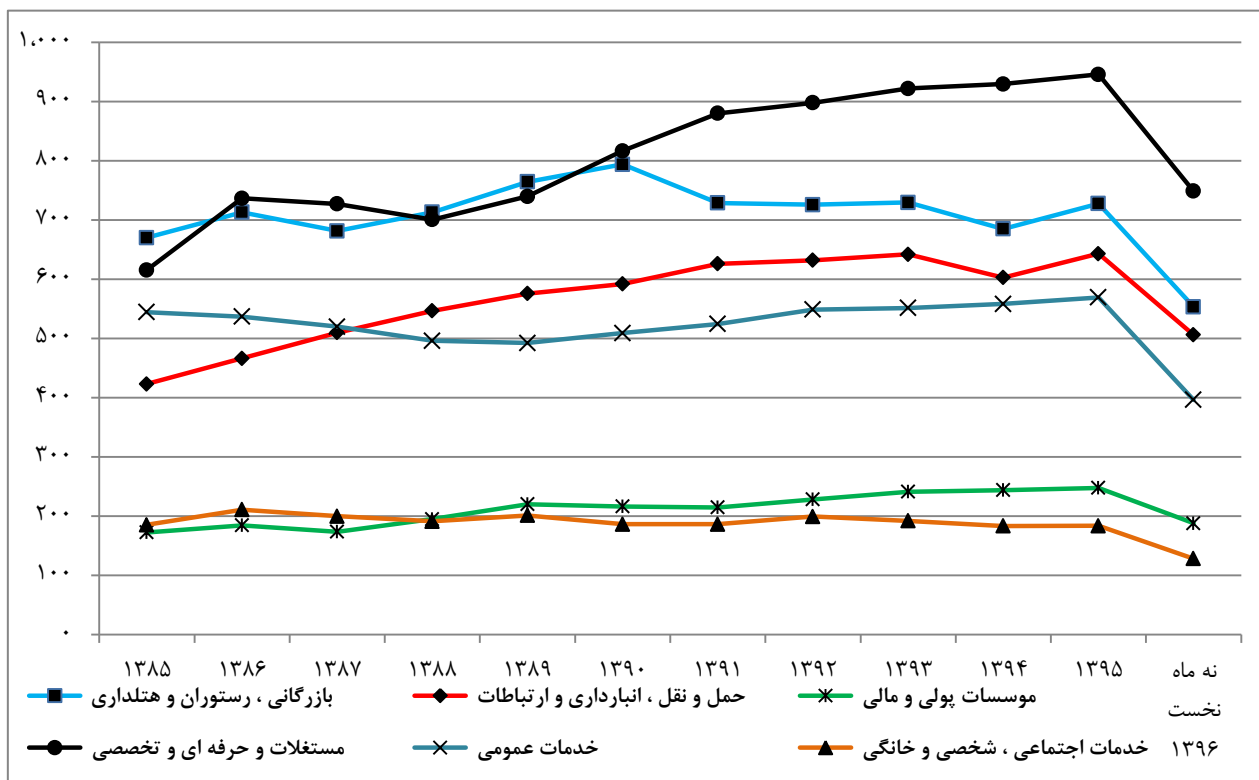
دو بخش حمل و نقل، انبارداری و ارتباطات و خدمات عمومی طی سال‌های گذشته با شیب همواری بدون تأثیرپذیری از تحریم‌های بین‌المللی رو به افزایش بوده و سهم هر یک از تولید ناخالص داخلی در نه ماه نخست سال ۱۳۹۶ به ترتیب ۹/۷ و ۷/۶ درصد بوده است. با توجه به پتانسیل‌های موجود در این دو بخش به‌ویژه بخش دارو و سلامت و وجود تعداد بالایی از فارغ‌التحصیلان رشته پزشکی و پیراپزشکی، این فرصت برای سرمایه‌گذاری در توسعه صنعت دارو و ایجاد مراکز درمانی پیشرفته در منطقه خاورمیانه، می‌تواند کشور ایران را به‌عنوان یک مرکز پزشکی در منطقه (از طریق پذیرش بیمار از کشورهای همسایه) تبدیل کند و ارزش افزوده فراوانی را نصیب اقتصاد کشور کند. در خصوص بخش حمل و نقل، انبارداری و ارتباطات نیز با توجه به تأکید ویژه دولت به بخش حمل و نقل در قوانین بودجه‌ای دو سال اخیر و ضرورت سرمایه‌گذاری در این بخش با توجه به شرایط ژئوپلیتیکی ایران (قرار گرفتن در بین سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا) در منطقه، بدون شک می‌تواند ارزش افزوده فراوانی را نصیب ایران سازد. براساس گزارش سال ۲۰۱۶ مؤسسه جهانی مک‌کینزی، یکی از چهار موتور محرک رشد اقتصادی ایران، اقتصاد دانش‌بنیان است. در این رویکرد، این مؤسسه توجه ویژه‌ای به توسعه شرکت‌های خدمات حرفه‌ای در ایران اعم از شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات مشاوره‌ای، حقوقی، مدیریتی، بازاریابی و حسابداری و توسعه بخش فناوری اطلاعات داشته است.

سهم واسطه‌گری مالی (مؤسسات پولی و مالی) از تولید ناخالص داخلی طی سال‌های اخیر از ۳/۲ درصد در سال ۱۳۸۶ به ۴ درصد در سال ۱۳۹۳ افزایش و سپس به ۳/۶ درصد در نه ماه نخست سال ۱۳۹۶ کاهش یافته است. با توجه به اینکه بخش مالی در اقتصاد بسیاری از کشورها به‌عنوان یکی از بخش‌های مهم با سهم بالا ایفای نقش می‌کند، تقویت این بخش یکی از ضروریات تحریک رشد اقتصادی بشمار می‌آید زیرا این بخش به‌عنوان یکی از موتورهای مهم تحریک رشد اقتصادی از طریق جریان‌سازی تسهیلات مالی به سایر بخش‌ها شناخته شده و تقویت این بخش موجب تقویت سایر بخش‌های اقتصاد می‌شود. براساس گزارش سال ۲۰۱۶ مؤسسه مک‌کینزی اصلاح سیستم مالی و آزادسازی بازار بیمه یکی دیگر از ضروریات تحریک رشد اقتصادی ایران است.

سهم بخش خدمات اجتماعی، شخصی و خانگی از تولید ناخالص داخلی نیز از ۳/۶ درصد در سال ۱۳۸۶ به ۲/۵ درصد در نه ماه نخست سال ۱۳۹۶ کاهش یافته است. سهم این بخش نیز از گروه خدمات از ۷/۵ درصد به ۵ درصد در همین بازه‌ی زمانی کاهش یافته است. با بررسی تغییرات ارزش افزوده این بخش طی سال‌های اخیر مشاهده می‌شود که به‌جز سال‌های ۱۳۸۹ و ۱۳۹۲، طی سال‌های ۱۳۸۷ تا نه ماه نخست سال ۱۳۹۶، رشد ارزش افزوده این بخش منفی یا بسیار اندک بوده است.

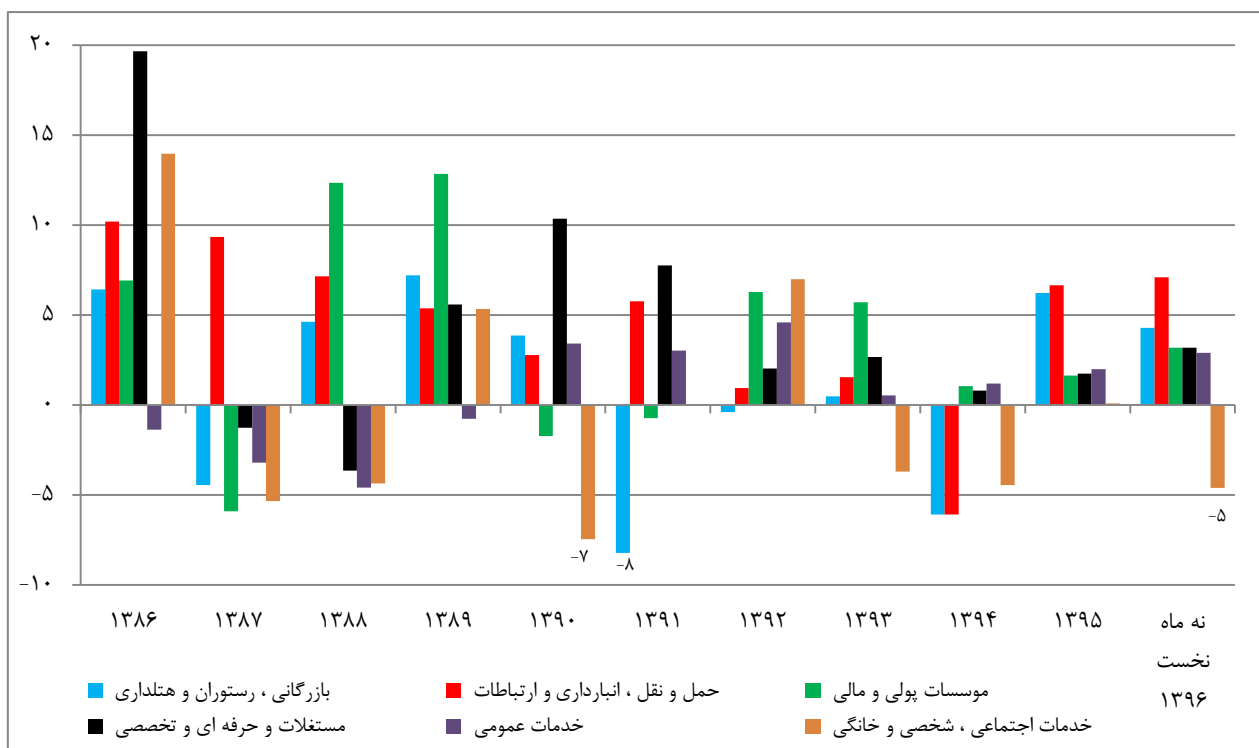


نمودار ۸: ارزش افزوده بخش‌های گروه خدمات (به قیمت ثابت سال ۱۳۹۰) در ده سال گذشته (هزار میلیارد ریال)

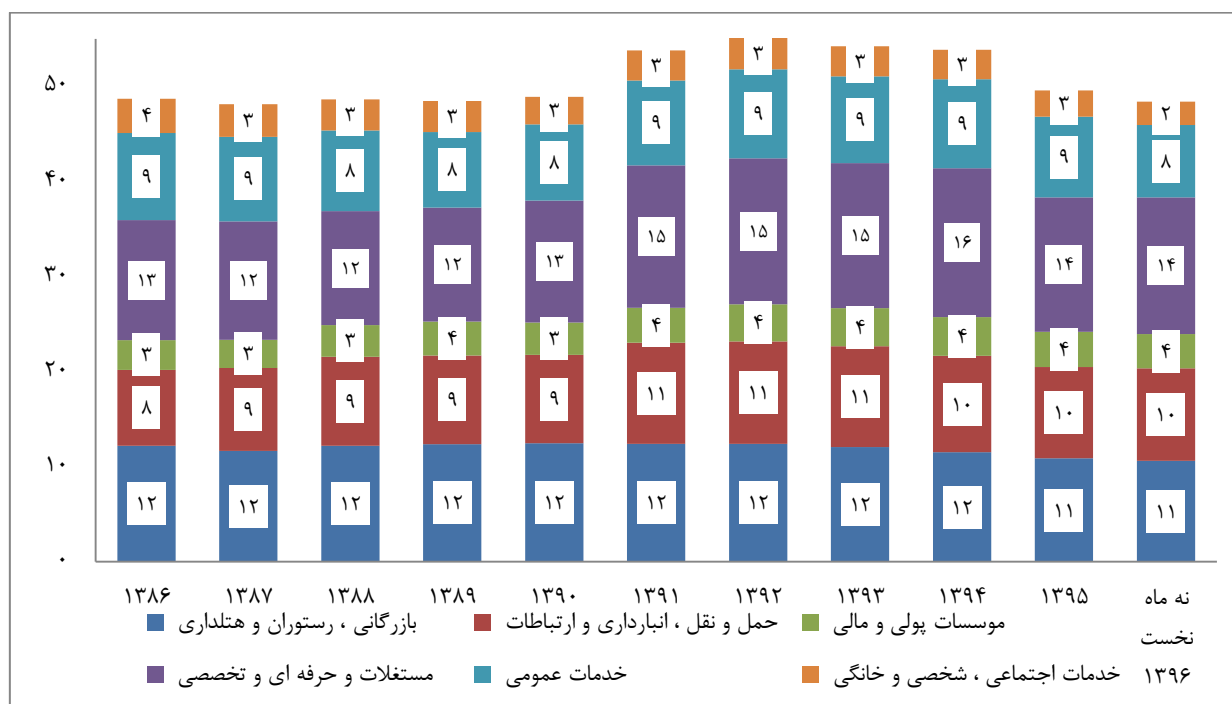


منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

نمودار ۹: نرخ رشد ارزش افزوده بخش‌های گروه خدمات (به قیمت ثابت سال ۱۳۹۰) (درصد)



نمودار ۱۰: سهم ارزش افزوده بخش‌های گروه خدمات از تولید ناخالص داخلی (به قیمت ثابت سال ۱۳۹۰) (درصد)



منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

۱-۲- تولید ناخالص داخلی (رویکرد هزینه‌ای)

در این بخش به بررسی اجزای تولید ناخالص داخلی براساس روش هزینه‌ای پرداخته می‌شود. در این رابطه از آمار ارائه‌شده توسط بانک مرکزی و بر پایه قیمت ثابت سال ۱۳۹۰ استفاده شده است. تولید ناخالص داخلی از مجموع هزینه‌های صورت گرفته در بخش مصرف خصوصی، دولت، سرمایه‌گذاری و خالص تجارت خارجی به دست می‌آید. نمودار (۱۱) و جداول (۱) و (۲) به ترتیب ارزش ریالی، نرخ رشد و سهم هریک از عناصر تشکیل‌دهنده تولید ناخالص داخلی در کشور را طی یک دهه گذشته نشان می‌دهند.

هزینه مصرف نهایی خصوصی که حدود ۴۳٪ از تولید ناخالص داخلی را تشکیل می‌دهد، بیانگر هزینه‌ای است که توسط خانوار پرداخت می‌شود. با بررسی روند این جزء مشاهده می‌شود که مصرف خانوار از سال ۱۳۸۸ تا سال ۱۳۹۰ رو به افزایش بوده اما در سال‌های بعدی به صورت رفت و برگشتی افزایش و کاهش داشته است. در دو سال ۱۳۹۵ و نهم ماه نخست ۱۳۹۶ نرخ رشد مخارج خانوار به ترتیب معادل ۳/۸ و ۱/۴ درصد بوده است. با این وجود مصرف واقعی خانوار در سال ۱۳۹۵ کمتر از سال ۱۳۹۰ بود. این امر به این موضوع اشاره دارد که با توجه به کاهش حجم تشکیل سرمایه در این سال‌ها^۱ قدرت خرید خانوار به دلیل کاهش درآمد واقعی کاهش یافته است. فضای رکودی موجود در اقتصاد کشور، تورم سال‌های ۹۲-۱۳۹۱، افزایش نرخ بیکاری، کاهش ظرفیت تولیدی در کنار

۱ در ادبیات اقتصادی، اگر کاهش مصرف به دلیل افزایش پس‌انداز (و افزایش سرمایه‌گذاری) صورت پذیرد، این امر بیانگر بهبود رشد اقتصادی است، اما در صورت عدم افزایش پس‌انداز (و افزایش سرمایه)، کاهش مصرف به دلیل کاهش درآمد سرانه تحقق یافته و این موضوع زیان رشد اقتصادی خواهد بود.



تعطیلی برخی از مراکز تولیدی و رشد مداوم جمعیت از مهم‌ترین دلایل کاهش درآمد واقعی خانوار در کشور بشمار می‌آید. در این رابطه باید به این نکته اشاره داشت با توجه به اینکه مصرف خانوار در حدود ۴۳ درصد از تولید ناخالص داخلی را تشکیل می‌دهد، توجه به معیشت خانوار و افزایش درآمد واقعی آن‌ها اثر مهمی بر تحرک رشد اقتصادی خواهد داشت، البته این اثر زمانی کارایی بیشتری دارد که خانوار بخش قابل‌توجهی از درآمدهای خود را پس‌انداز کنند. به عبارت دیگر براساس تئوری‌های اقتصادی، درآمد خانوار به دو صورت مصرف یا پس‌انداز تخصیص می‌یابد. از این رو افزایش درآمد خانوار منجر به افزایش هر دو جزء مصرف و پس‌انداز خواهد شد با این وجود اگر بخش بیشتری از افزایش درآمد صرف افزایش بیشتر مصرف (و افزایش کمتر در پس‌انداز) شود، در کوتاه‌مدت افزایش مصرف منجر به افزایش رشد اقتصادی خواهد شد اما در صورت تخصیص بیشتر منابع حاصل از افزایش درآمد به پس‌انداز (و افزایش کمتر در مصرف)، رشد اقتصادی در بلندمدت افزایش بیشتری در مقایسه با حالت اول خواهد داشت. زیرا این پس‌اندازها از طریق واسطه‌های مالی به بخش‌های مولد اقتصاد تزریق و اثرات چند برابری برافزایش درآمد آن‌ها خواهد داشت. بنابراین بهبود معیشت خانوار که منجر به افزایش مصرف و پس‌انداز می‌شود می‌تواند منجر به رشد اقتصادی شود^۱.

هزینه مصرفی دولت (به قیمت ثابت سال ۱۳۹۰) به‌عنوان جزء دیگر تشکیل‌دهنده‌ی تولید ناخالص داخلی طی سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۱ روند نزولی داشت و از ۶۶۵ هزار میلیارد ریال در سال ۱۳۸۶ به ۵۸۶ هزار میلیارد ریال در سال ۱۳۹۱ کاهش داشت (و سهم آن نیز از تولید ناخالص داخلی از ۱۱/۴۴ درصد به ۹/۹۱ درصد کاهش یافت) اما از سال ۱۳۹۲ مجدداً در مسیر صعودی قرار گرفت و در پایان سال ۱۳۹۵ به بیش از ۶۷۰ هزار میلیارد ریال افزایش یافته است. طی سال‌های ۱۳۹۵ و نه ماه نخست ۱۳۹۶، نرخ رشد هزینه مصرفی دولت به ترتیب معادل ۳/۷ و ۴/۸ درصد بوده است.

با بررسی اجزای اصلی تشکیل سرمایه به قیمت ثابت سال ۱۳۹۰ (تشکیل سرمایه در ماشین‌آلات و ساختمان) مشاهده می‌شود که سهم مجموع تشکیل سرمایه در ماشین‌آلات و ساختمان نیز از ۲۶/۸ درصد تولید ناخالص داخلی در سال ۱۳۸۷ به ۱۵/۳ درصد در نه ماه نخست سال ۱۳۹۶ کاهش یافته که بیانگر افت قابل توجه سهم سرمایه‌گذاری در کشور طی این دوره است. تحریم‌های اقتصادی، بی‌ثباتی متغیرهای کلان اقتصادی اعم از نرخ ارز، نرخ سود بانکی و تورم، افزایش هزینه‌های ثابت سرمایه‌گذاری اولیه و وجود نااطمینانی در میان صنعتگران کشور در سایه رکود اقتصادی به‌عنوان موانع اصلی در افت سرمایه‌گذاری در کشور محسوب می‌شوند. با بررسی مؤلفه‌های سرمایه‌گذاری در کشور مشاهده می‌شود که تشکیل سرمایه در ماشین‌آلات از سال ۱۳۸۶ تا سال ۱۳۹۰ روند افزایشی داشته و سهم آن از تولید ناخالص داخلی از ۸/۵۳ درصد به ۹/۵۷ درصد افزایش یافت اما از سال ۱۳۹۱ تا نه ماه نخست سال ۱۳۹۶ سهم این بخش به ۴/۸۵ درصد تنزل یافته که نشان‌دهنده‌ی کاهش بیش از ۵۰ درصد از سهم آن است. با لغو تحریم‌های اقتصادی انتظار می‌رفت سرمایه‌گذاری در این بخش افزایش یابد اما افت ۴۱ درصد

۱ در ادبیات اقتصادی، بسیاری از محققین بر وجود رابطه دو طرفه بین درآمد و مصرف تاکید دارند. به عبارتی افزایش درآمد منجر به افزایش مصرف و افزایش مصرف منجر به افزایش درآمد ملی می‌شود و این زنجیره ادامه می‌یابد.

ارزش سرمایه‌گذاری بیانگر واقعیت دیگری است. در مجموع می‌توان بیان داشت سرمایه‌گذاری طی سال‌های اخیر در سایه تداوم تحریم‌های اقتصادی، ترس سرمایه‌گذاران خارجی از تحریم‌های احتمالی آمریکا و افزایش نااطمینانی در فضای اقتصادی کشور عوامل تأثیرگذار بر افت سرمایه‌گذاری در داخل به‌شمار می‌آیند. البته تلاش دولت برای جذب سرمایه‌گذاران خارجی طی سال‌های اخیر مطلوب بوده ولی این تلاش‌ها در حوزه اقتصادی باید همراه با ایجاد اصلاحات اساسی در قوانین کسب‌وکار، رقابت‌پذیری، آزادسازی اقتصادی و حذف موانع سرمایه‌گذاری خارجی صورت گیرد. براساس گزارش سال ۲۰۱۶ مؤسسه مک‌کینزی سرمایه‌گذاری در بخش‌های منابع طبیعی (نفت و گاز)، کالاهای مصرفی، صنعت گردشگری، دارو، سیمان و فولاد، صنایع فناوری اطلاعات و ارتباطات و خودرو برای سرمایه‌گذاران خارجی مطلوب است. البته این امر در سایه اقداماتی از سوی دولت برای رقابتی کردن صنایع بزرگ تولیدی، تعمیق اقتصاد دانش‌بنیان، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های فیزیکی و دیجیتالی و اصلاحات اساسی در قوانینی نظیر قانون کار، صدور مجوزها، نقل و انتقالات مالی و... است. در این رابطه تلاش دولت برای کاهش دشواری‌های بین‌المللی اعم از نقل و انتقالات پولی، همگرایی با کشورهای منطقه و شرکای تجاری نیز حائز اهمیت است.

جزء دیگر سرمایه‌گذاری (تشکیل سرمایه در بخش مسکن) نیز رفتاری مشابه سرمایه‌گذاری در ماشین‌آلات داشته است به‌گونه‌ای که ارزش‌افزوده این بخش از سال ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۰ صعودی بوده اما از سال ۱۳۹۱ ما شاهد افت ۲۶/۶ درصدی در ارزش‌افزوده این بخش تا سال ۱۳۹۵ هستیم. سهم ارزش‌افزوده بخش مسکن از تولید ناخالص داخلی نیز از ۱۷/۱۹ درصد در سال ۱۳۹۰ به ۱۰/۴۸ درصد در نه ماه نخست سال ۱۳۹۶ کاهش یافته است. اگرچه توقف طرح مسکن مهر تأثیر منفی در کاهش ارزش‌افزوده این بخش داشت، اما کاهش قدرت خرید مصرف‌کنندگان (علی‌رغم تسهیل شرایط اعطای وام)، باعث شده تا در حال حاضر بخش مسکن در شرایط رکودی (یا رونق با رشد محدود) قرار گیرد و به نظر می‌رسد کلیدی‌ترین عامل رونق، افزایش درآمد واقعی خانوار باشد. از سوی دیگر با توجه به ارتباط نزدیک این بخش با سایر صنایع فعال در حوزه مصالح ساختمانی (نظیر سیمان، فولاد، تأسیسات داخلی و...) رونق این بخش موجب رونق سایر بخش‌های مولد اقتصادی خواهد شد.

در حوزه تجارت کالا و خدمات طی سال‌های گذشته ما شاهد افت مداوم واردات بودیم به صورتی که سهم واردات از تولید ناخالص داخلی از ۲۰ درصد در سال ۱۳۸۶ به ۸/۶۹ درصد در نه ماه نخست سال ۱۳۹۶ کاهش یافت که تشدید تحریم‌های اقتصادی و افزایش شدید نرخ ارز دو عامل اساسی کاهش این مؤلفه بودند. البته تداوم کاهش قدرت خرید خانوار و فضای رکودی موجود در اقتصاد داخلی نیز اثر کاهشی بر افت سهم واردات از تولید ناخالص داخلی داشت. در این رابطه اگرچه در حساب‌های ملی رابطه واردات با تولید ناخالص داخلی منفی است^۱ اما از آنجایی که نزدیک به ۷۰ درصد واردات کشور، واردات ماشین‌آلات و نهاده‌های واسطه‌ای مورد استفاده در بخش‌های مولد است، کاهش واردات این حجم از نهاده‌های واسطه‌ای موجب کاهش سرمایه‌گذاری و تداوم حیات بخش‌های

۱ تولید ناخالص داخلی به روش هزینه‌ای به صورت زیر محاسبه می‌شود:

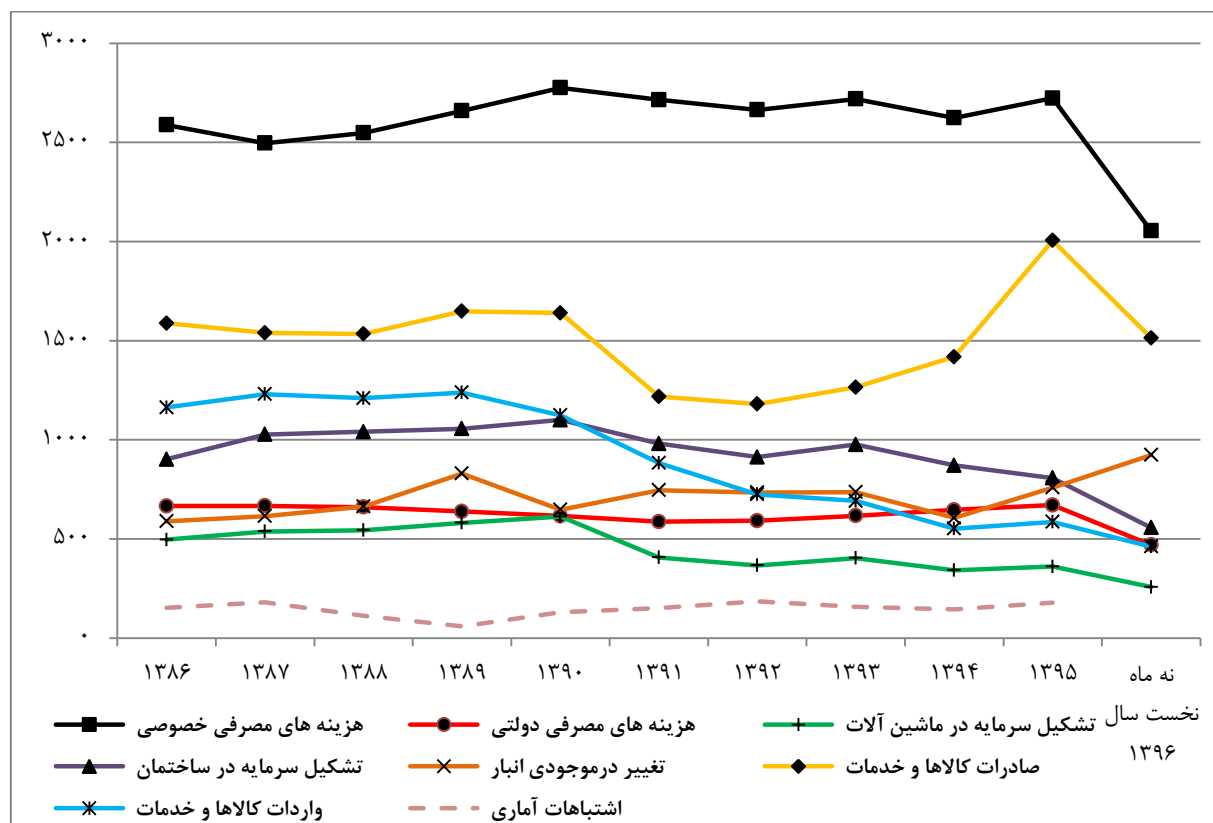
تولید ناخالص داخلی = مصرف خصوصی خانوار + مخارج دولت + تشکیل سرمایه ثابت + صادرات - واردات



مولد است و در این رابطه کاهش واردات این اقلام به عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم تأثیرگذار بر کاهش تولید در اقتصاد قلمداد می‌شود.

صادرات کالا و خدمات نیز تا سال ۱۳۹۰ با روند با ثباتی در حدود ۲۶ درصد از تولید ناخالص داخلی را به خود اختصاص می‌داد، اما با تحمیل محدودیت‌های بین‌المللی، صادرات کالا و خدمات با افت محسوس ۲۶ درصدی در سال ۱۳۹۱ مواجه شد. در ادامه با توجه به رفع تحریم‌های اقتصادی و افزایش صادرات نفت مجدداً ارزش ریالی صادرات کالا و خدمات به بیش از میزان پیش از تحریم‌ها رسید و به بیش از ۲۰۰۰ هزار میلیارد تومان در سال ۱۳۹۵ افزایش یافت. علی‌رغم رشد ۴۱/۳ درصدی ارزش ریالی صادرات در سال ۱۳۹۵، رشد این بخش در ۹ ماه نخست سال ۱۳۹۶ ناچیز و در ۰/۴ درصد بود. سهم این بخش از تولید ناخالص داخلی نیز در نه ماه نخست سال ۱۳۹۶ با افت محدودی به ۲۸/۵ درصد رسید.

نمودار ۱۱: اجزای تولید ناخالص داخلی (به قیمت ثابت سال ۱۳۹۰) در ده سال گذشته^۱ (هزار میلیارد ریال)



منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

۱ رقم مربوط به تغییر در موجودی انبار برای نه ماه نخست سال ۱۳۹۶ شامل اشتباهات آماری نیز می‌باشد.



جدول ۱: نرخ رشد عناصر تشکیل دهنده تولید ناخالص داخلی به قیمت بازار (به قیمت ثابت سال ۱۳۹۰) گذشته (درصد)

تولید ناخالص داخلی به قیمت بازار	آمار اشتباهات	واردات کالاها و خدمات	صادرات کالاها و خدمات	تغییر در موجودی انبار	تشکیل سرمایه در ساختمان	تشکیل سرمایه در ماشین آلات	هزینه‌های مصرفی دولتی	هزینه‌های مصرفی خصوصی	سال / عناصر تولید ناخالص داخلی
۸/۲	۲۶/۲	۵/۸	-۰/۲	۹/۲	۲۴/۶	۰/۱	-۶/۶	۱۲/۸	۱۳۸۶
۰/۳	۱۸/۹	۵/۸	-۳/۰	۴/۵	۱۳/۹	۸/۲	۰/۲	-۳/۶	۱۳۸۷
۱/۰	-۳۸/۱	-۱/۷	-۰/۴	۷/۸	۱/۴	۱/۲	-۱/۱	۲/۱	۱۳۸۸
۵/۸	-۴۷/۸	۲/۳	۷/۵	۲۵/۰	۱/۴	۶/۹	-۳/۲	۴/۴	۱۳۸۹
۲/۶	۱۲۲/۴	-۹/۳	-۰/۵	-۲۲/۰	۴/۲	۵/۴	-۳/۶	۴/۴	۱۳۹۰
-۷/۴	۱۶/۷	-۲۱/۴	-۲۵/۷	۱۵/۳	-۱۰/۸	-۳۳/۷	-۴/۷	-۲/۲	۱۳۹۱
-۰/۲	۲۱/۶	-۱۷/۹	-۳/۱	-۱/۵	-۶/۹	-۹/۸	۰/۸	-۱/۹	۱۳۹۲
۴/۶	-۱۴/۲	-۴/۵	۷/۲	۰/۲	۶/۹	۱۰/۰	۴/۲	۲/۰	۱۳۹۳
-۱/۳	-۹/۰	-۲۰/۲	۱۲/۱	-۱۷/۶	-۱۰/۷	-۱۵/۲	۴/۸	-۳/۵	۱۳۹۴
۱۳/۴	۲۳/۴	۶/۱	۴۱/۳	۲۵/۱	-۷/۴	۵/۶	۳/۷	۳/۸	۱۳۹۵
۳/۱		۹/۲	۰/۴		۱/۶۰	۰/۹۰	۴/۸	۱/۴	نه ماه نخست ۱۳۹۶ نسبت به مدت مشابه

منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

جدول ۲: سهم عناصر تشکیل دهنده تولید ناخالص داخلی به قیمت بازار (به قیمت ثابت سال ۱۳۹۰) (درصد)

تغییرات موجودی انبار و اشتباهات آماری	واردات کالاها و خدمات	صادرات کالاها و خدمات	تشکیل سرمایه در ساختمان	تشکیل سرمایه در ماشین آلات	هزینه‌های مصرفی دولتی	هزینه‌های مصرفی خصوصی	سال / عناصر تولید ناخالص داخلی
۱۲/۷۴	۲۰/۰۰	۲۷/۲۹	۱۵/۵۰	۸/۵۳	۱۱/۴۴	۴۴/۵۰	۱۳۸۶
۱۳/۶۵	۲۱/۱۰	۲۶/۴۰	۱۷/۶۰	۹/۲۱	۱۱/۴۳	۴۲/۸۰	۱۳۸۷
۱۳/۱۶	۲۰/۵۴	۲۶/۰۳	۱۷/۶۷	۹/۲۳	۱۱/۲۰	۴۳/۲۵	۱۳۸۸
۱۴/۲۴	۱۹/۸۷	۲۶/۴۵	۱۶/۹۴	۹/۳۲	۱۰/۲۵	۴۲/۶۶	۱۳۸۹
۱۲/۱۴	۱۷/۵۶	۲۵/۶۳	۱۷/۱۹	۹/۵۷	۹/۶۲	۴۳/۳۹	۱۳۹۰
۱۵/۱۶	۱۴/۹۱	۲۰/۵۷	۱۶/۵۶	۶/۸۶	۹/۹۱	۴۵/۸۵	۱۳۹۱
۱۵/۵۵	۱۲/۲۶	۱۹/۹۸	۱۵/۴۴	۶/۲۰	۱۰/۰۱	۴۵/۰۸	۱۳۹۲
۱۴/۴۶	۱۱/۱۹	۲۰/۴۶	۱۵/۷۹	۶/۵۲	۹/۹۷	۴۳/۹۸	۱۳۹۳
۱۲/۳۰	۹/۰۵	۲۳/۲۶	۱۴/۲۸	۵/۶۰	۱۰/۶۰	۴۳/۰۱	۱۳۹۴
۱۳/۵۴	۸/۴۷	۲۸/۹۹	۱۱/۶۷	۵/۲۲	۹/۶۹	۳۹/۳۷	۱۳۹۵
۱۷/۳۸	۸/۶۹	۲۸/۵۰	۱۰/۴۸	۴/۸۵	۸/۸۳	۳۸/۶۶	نه ماه نخست سال ۱۳۹۶

منبع: مرکز آمار ایران



۲- پیش‌بینی اقتصاد ایران در سال ۱۳۹۷

پس از بررسی وضعیت کل اقتصاد کشور طی سال‌های اخیر در این بخش به بررسی پیش‌بینی‌های صورت گرفته از سوی نهادهای بین‌المللی از وضعیت اقتصاد ایران در سال ۱۳۹۷ پرداخته می‌شود.

۲-۱ پیش‌بینی نهادهای بین‌المللی

۲-۱-۱ صندوق بین‌المللی پول

پایگاه اطلاعاتی صندوق بین‌المللی پول در آخرین تغییرات از پیش‌بینی وضعیت اقتصادی ایران، رشد اقتصادی ایران برای سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ (معادل ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹) را به ترتیب ۳/۷۵ و ۳/۹۵ درصد پیش‌بینی کرده است. این در حالی است که طبق برآوردهای این نهاد، رشد اقتصادی ایران در سال ۱۳۹۶ حدود ۳/۴۶ درصد برآورد شده است. براساس این گزارش (جدول ۳)، سرانه تولید ناخالص داخلی هر ایرانی در سال ۱۳۹۶ از ۱۸۲ میلیون ریال (۵۲۵۲ دلار) به ۱۸۷ میلیون ریال (۴۸۳۷ دلار) در سال ۱۳۹۷ تغییر خواهد کرد.

براساس گزارش‌های این نهاد بین‌المللی نسبت سرمایه‌گذاری (تشکیل سرمایه ثابت) به تولید ناخالص داخلی از ۳۶/۴۸ درصد در سال ۱۳۹۶ به ۳۶/۵۸ افزایش می‌یابد که با توجه به رشد تولید ناخالص داخلی، انتظار افزایش رشد در تشکیل سرمایه ثابت به بیش از ۳/۷۵ درصد در نظر گرفته شده باشد. به عبارت دیگر با توجه به پیش‌بینی افزایش ۳/۷۵ درصدی تولید ناخالص داخلی در سال ۱۳۹۷، افزایش کسر $\frac{\text{تشکیل سرمایه ثابت ناخالص}}{\text{تولید ناخالص داخلی}}$ بیانگر رشد بیشتر سرمایه‌گذاری نسبت به رشد تولید ناخالص داخلی است. در این بین صندوق بین‌المللی پول پیش‌بینی کرده است، نسبت پس‌انداز ناخالص ملی از تولید ناخالص داخلی نیز از ۴۱/۵۳ درصد در سال ۱۳۹۶ به ۴۲/۴۶ درصد افزایش خواهد یافت.

پیش‌بینی‌های صندوق بین‌المللی پول حاکی از کاهش نرخ تورم در سال ۱۳۹۷ است. این نهاد مالی انتظار دارد نرخ متوسط تورم و نرخ تورم در پایان دوره در سال ۱۳۹۶ به ترتیب از ۱۰/۵۳ و ۱۰/۰۷ درصد به ۱۰/۱۴ و ۹/۶۶ درصد در سال ۱۳۹۷ کاهش یابد.

در حوزه تجارت خارجی پیش‌بینی‌های صندوق بین‌المللی پول حاکی از افت قابل توجه رشد حجم صادرات و واردات در سال ۱۳۹۷ است. بر این اساس رشد حجم واردات و صادرات کالا و خدمات به ترتیب از ۳/۷۶ و ۴/۱۶ درصد در سال ۱۳۹۶ به ۲/۷ و ۲/۳۱ درصد کاهش می‌یابد که قابل تأمل است. با این وجود تراز تجاری ایران در سال ۱۳۹۶ از ۲۱/۶۰ میلیارد دلار با رشد ۸/۵ درصدی به ۲۳/۴۴ میلیارد دلار افزایش خواهد یافت. بنابراین درصد خالص صادرات (حساب تراز تجاری) به تولید ناخالص داخلی از ۵/۰۵ درصد به ۵/۸۸ درصد افزایش خواهد یافت.

بر اساس پیش‌بینی صندوق بین‌المللی پول نرخ بیکاری که در سال ۱۳۹۶، ۱۲/۴۲ درصد از سوی این نهاد برآورد شده، در سال ۱۳۹۷ با کاهش ۰/۴ واحد درصدی به ۱۲/۳۸ درصد خواهد رسید.

در بخش دیگری از این پیش‌بینی‌ها درآمد و مخارج عمومی دولت به ترتیب با رشد ۱۲/۷ و ۱۳/۲ درصدی برآورد شده که نشانگر پیش‌بینی رشد بیشتر مخارج دولت نسبت به درآمد آن است. بر این اساس نسبت مخارج دولت به



تولید ناخالص داخلی نیز که نشان‌دهنده‌ی اندازه دولت است از $20/96$ درصد در سال 1396 به $20/98$ در سال 1397 افزایش خواهد یافت. پیش‌بینی‌ها بیانگر افزایش اندازه دولت در اقتصاد کشور تا سال 1398 است. با این وجود انتظار می‌رود بدهی ناخالص دولت از 4661 هزار میلیارد ریال در سال 1396 با رشد $8/4$ درصدی به 5051 هزار میلیارد ریال در سال 1397 افزایش یابد. همچنین بر اساس پیش‌بینی‌های این صندوق نسبت بدهی ناخالص به تولید ناخالص داخلی از $32/1$ درصد در سال 1396 به $30/76$ درصد در سال 1397 کاهش یافته و خالص بدهی دولت نیز از 2948 هزار میلیارد ریال در سال 1396 به 2922 هزار میلیارد ریال در سال 1397 کاهش یابد. همچنین نسبت خالص بدهی به تولید ناخالص داخلی از $20/3$ درصد در سال 1396 به $17/8$ درصد در سال 1397 کاهش خواهد یافت. شایان ذکر است که با کسر مطالبات دولت از بدهی ناخالص دولت، رقم مربوطه به خالص بدهی دولت به دست می‌آید.

در مجموع می‌توان بیان داشت بر اساس پیش‌بینی‌های صندوق بین‌المللی پول اقتصاد ایران در سال 1397 در مواردی نظیر رشد اقتصاد، نسبت سرمایه‌گذاری و نرخ بیکاری وضعیت مناسب‌تری خواهد داشت اما در برخی دیگر نظیر حجم صادرات و واردات و بدهی ناخالص دولت شرایط نامناسبی را تجربه خواهد کرد.



جدول ۳: برآورد و پیش‌بینی صندوق بین‌المللی پول از وضعیت متغیرهای اقتصادی ایران طی سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۲

متغیرهای اقتصاد کلان	واحد	۲۰۱۶	۲۰۱۷	۲۰۱۸	۲۰۱۹	۲۰۲۰	۲۰۲۱	۲۰۲۲
تولید ناخالص داخلی (به قیمت ثابت سال ۱۳۹۰)	میلیارد ریال	۶,۶۹۱,۱۰۹	۶,۹۲۲,۵۳۶	۷,۱۸۲,۵۰۳,۶۴	۷,۴۶۶,۲۳۷	۷,۷۶۳,۹۲۷	۸,۰۸۵,۱۵۷	
تولید ناخالص داخلی (به قیمت ثابت سال ۱۳۹۰)	درصد تغییرات	۱۲/۵۱۸	۳/۴۵۹	۳/۷۵۵	۳/۹۵	۳/۹۸۷	۴/۱۳۷	۴/۱۱
تولید ناخالص داخلی به قیمت جاری	میلیارد ریال	۱۲,۷۲۲,۸۴۹	۱۴,۵۲۱,۶۸۴	۱۶,۴۲۰,۳۵۱	۱۸,۶۸۱,۴۵۱	۲۱,۳۴۰,۵۶۹	۲۴,۱۸۳,۴۹۹	
تولید ناخالص داخلی به قیمت جاری	میلیارد دلار	۴۰۴	۴۲۷	۳۹۸	۴۲۴	۴۵۵	۴۸۵	۵۲۰
تولید ناخالص داخلی به قیمت جاری	شاخص قدرت خرید (میلیارد دلار)	۱,۵۴۹	۱,۶۳۰	۱,۷۲۴	۱,۸۳۱	۱,۹۴۴	۲,۰۶۶	۲,۱۹۳
سرنانه تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت	ریال	۸۳,۱۶۰,۴۹۹	۸۵,۰۱۹,۷۴۰	۸۷,۲۰۸,۶۸۵	۸۹,۶۶۳,۷۷۶	۹۲,۲۶۴,۴۷۶	۹۵,۱۲۴,۸۶۷	
سرنانه تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت	برپایه شاخص قدرت خرید سال ۲۰۱۱	۱۷,۸۵۵	۱۸,۲۵۴	۱۸,۷۲۴	۱۹,۲۵۱	۱۹,۸۱۰	۲۰,۴۲۴	۲۱,۰۶۲
سرنانه تولید ناخالص داخلی به قیمت جاری	ریال	۱۵۸,۱۲۶,۰۲۲	۱۷۸,۳۴۹,۳۴۶	۱۹۹,۳۷۲,۹۹۰	۲۲۴,۳۴۹,۸۸۱	۲۵۳,۶۰۵,۷۳۴		
سرنانه تولید ناخالص داخلی به قیمت جاری	دلار	۵,۰۲۶	۵,۲۵۲	۴,۸۳۷	۵,۱۰۳	۵,۴۱۴	۵,۷۱۳	۶,۰۷۱
سرنانه تولید ناخالص داخلی به قیمت جاری	برپایه شاخص قدرت خرید سال	۱۹,۲۵۶	۲۰,۰۲۹	۲۰,۹۴۴	۲۱,۹۹۳	۲۳,۱۰۷	۲۴,۳۱۸	۲۵,۵۶۰
سهم تولید ناخالص داخلی بر پایه شاخص قدرت خرید از کل جهان	درصد	۱/۲۸۹	۱/۲۸۸	۱/۲۸۹	۱/۲۹۳	۱/۲۹۷	۱/۳۰۲	۱/۳۰۷
سرمایه‌گذاری کل	درصدی از GDP	۳۳/۵۳۴	۳۶/۴۷۷	۳۶/۵۷۶	۳۷/۰۶۶	۳۷/۶۱۴	۳۸/۱۸۱	۳۸/۸۳۳
پس انداز ناخالص ملی	GDP از	۳۷/۵۸۶	۴۱/۵۲۸	۴۲/۴۵۹	۴۲/۷۴	۴۳/۴۱۳	۴۳/۷۲۴	۴۵/۰۳۸
شاخص قیمت مصرف‌کننده متوسط	شاخص	۲۴۸/۰۰۸	۲۷۴/۱۲	۳۰۱/۹۰۹	۳۳۰/۶۷۷	۳۶۱/۴۳	۳۹۳/۹۵۹	۴۲۸/۲۳۳
شاخص قیمت مصرف‌کننده تغییرات متوسط	درصد تغییرات	۹/۰۳۵	۱۰/۵۲۹	۱۰/۱۳۷	۹/۵۲۹	۹/۳	۹	۸/۷



شاخص قیمت مصرف‌کننده در پایان دوره	شاخص	۲۶۲/۸	۲۸۹/۲۸	۳۱۷/۲۱۷	۳۴۷/۰۳۵	۳۷۸/۹۶۳	۴۱۲/۳۱۱	۴۴۷/۷۷
تغییرات شاخص قیمت مصرف‌کننده در پایان دوره	درصد تغییرات	۱۱/۹۲۵	۱۰/۰۷۶	۹/۶۵۸	۹/۴	۹/۲	۸/۸	۸/۶
حجم واردات کالا و خدمات	درصد تغییرات	۲۲/۴۶	۳/۷۵۸	۲/۷۰۴	۲/۸۶۲	۵/۱۹۶	۱/۷۳۸	۷/۵۶۹
حجم واردات کالا	درصد تغییرات	۲۴/۷۱۶	۲/۵۵۱	۲/۷۰۴	۲/۸۶۲	۵/۱۹۶	۱/۷۳۸	۷/۵۶۹
حجم صادرات کالا و خدمات	تغییرات	۲۰/۲۱۱	۴/۱۶۵	۲/۳۱۴	۰/۲۶۹	۲/۷۷۱	۱/۳۸۲	۷/۱۰۳
حجم صادرات کالا	تغییرات	۲۱/۹۹۱	۴/۷۷	۲/۴۶۲	۰/۰۷۴	۱/۹۳۷	۱/۲۴۸	۶/۰۷
نرخ بیکاری	درصد از نیروی کار	۱۲/۴۵	۱۲/۴۱۷	۱۲/۳۸۴	۱۲/۳۰۷	۱۲/۲۲۱	۱۲/۲۲۳	۱۲/۱۹۵
جمعیت	میلیون نفر	۸۰/۴۶	۸۱/۴۲۳	۸۲/۳۶	۸۳/۲۶۹	۸۴/۱۴۹	۸۴/۹۹۵	۸۵/۸۰۸
درآمد عمومی دولت	میلیارد ریال	۲,۱۹۸,۶۰۰	۲,۷۳۱,۲۳۷	۳,۰۷۹,۵۸۶	۳,۵۱۸,۰۰۰	۴,۰۷۵,۰۱۴	۴,۵۶۰,۳۶۳	
درصد درآمد عمومی دولت	درصدی از GDP	۱۷/۲۸۱	۱۸/۸۰۸	۱۸/۷۵۵	۱۸/۸۳۲	۱۹/۰۹۵	۱۸/۸۵۷	۱۷/۹۲
مخارج کل عمومی دولت	میلیارد ریال	۲,۴۸۷,۲۰۰	۳,۰۴۴,۲۹۵	۳,۴۴۵,۴۴۹	۳,۹۳۰,۰۱۶	۴,۴۵۹,۷۹۳	۵,۰۱۶,۸۷۰	
درصد مخارج کل عمومی دولت	درصدی از GDP	۱۹/۵۴۹	۲۰/۹۶۴	۲۰/۹۸۳	۲۱/۰۳۷	۲۰/۸۹۸	۲۰/۷۴۵	۲۰/۶۴۱
خالص بدهی دولت	میلیارد ریال	۲,۷۴۰,۸۲۰	۲,۹۴۸,۴۵۳	۲,۹۲۱,۹۲۶	۳,۱۲۴,۱۹۶	۳,۳۲۴,۱۳۲	۳,۶۸۲,۴۱۱	
درصد خالص بدهی دولت	درصدی از GDP	۲۱/۵۴۳	۲۰/۳۰۴	۱۷/۷۹۵	۱۶/۷۲۴	۱۵/۵۷۷	۱۵/۲۲۷	۱۵/۹۳۸
بدهی ناخالص دولت	میلیارد ریال	۴,۳۹۲,۶۹۷	۴,۶۶۰,۷۵۷	۵,۰۵۱,۴۹۰	۵,۴۸۱,۶۶۷	۵,۸۹۱,۴۲۱	۶,۳۷۷,۲۷۴	
درصد بدهی ناخالص دولت	درصدی از GDP	۳۴/۵۲۶	۳۲/۰۹۵	۳۰/۷۶۴	۲۹/۳۴۳	۲۷/۶۰۷	۲۶/۳۷	۲۵/۹۸۸
حساب تراز تجاری	میلیارد دلار	۱۶/۳۸۸	۲۱/۶۰۳	۲۳/۴۳۷	۲۴/۱۱۵	۲۶/۴۲۴	۲۶/۹۱۹	۳۲/۳۲۸
درصد حساب تراز تجاری	درصدی از GDP	۴/۰۵۲	۵/۰۵۱	۵/۸۸۲	۵/۶۷۴	۵/۷۹۹	۵/۵۴۳	۶/۲۰۵

منبع: صندوق بین‌المللی پول



۲-۱-۲ بانک جهانی

بانک جهانی در گزارش ژانویه سال ۲۰۱۷ (دی ماه سال ۱۳۹۶) خود با عنوان «چشم‌انداز اقتصاد جهانی»^۱ پیش‌بینی خود از وضعیت اقتصادی جهانی، رشد اقتصادی کشورهای منطقه خاورمیانه را طی سال‌های ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۰ بیش از ۳ درصد پیش‌بینی کرده است. براساس گزارش این نهاد وضعیت اقتصاد جهان در سال ۲۰۱۸ تا حدودی بهتر از سال ۲۰۱۷ خواهد بود. این نهاد رشد اقتصادی ایران در سال ۱۳۹۶ را ۳/۶ درصد برآورد و برای سال ۱۳۹۷ حدود ۴ درصد پیش‌بینی کرده که بالاتر از متوسط جهانی است. همچنین رشد اقتصادی ۴/۳ درصدی ایران برای سال‌های ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ بیانگر قرار گرفتن ایران در فاز صعودی و بهبود شرایط اقتصادی است. بنابراین این نهاد نیز همانند صندوق بین‌المللی پول، افزایش رشد اقتصادی را برای سال ۱۳۹۷ برای ایران پیش‌بینی کرده است. با بررسی نرخ‌های پیش‌بینی شده برای رشد اقتصادی ایران با کشورهای مطرح منطقه خاورمیانه مشاهده می‌شود که رشد اقتصادی ایران در سال ۱۳۹۷ بالاتر از کشورهای نظیر ترکیه (۳/۵)، عربستان (۱/۲)، قطر (۲/۶) و امارات متحده عربی (۳/۱) پیش‌بینی شده است.

جدول ۴: برآورد و پیش‌بینی بانک جهانی از رشد اقتصادی جهان، خاورمیانه و ایران طی سال‌های ۲۰۱۵-۲۰۲۰ (درصد)

۲۰۲۰	۲۰۱۹	۲۰۱۸	۲۰۱۷	۲۰۱۶	۲۰۱۵	
۲/۹	۳/۰	۳/۱	۳/۰	۲/۴	۲/۸	کل جهان
۳/۲	۳/۲	۳/۰	۱/۸	۵/۰	۲/۸	خاورمیانه و شمال آفریقا
۴/۳	۴/۳	۴/۰	۳/۶	۱۳/۴	-۱/۳	ایران
۳/۰	۳/۰	۲/۶	۱/۷	۲/۲	۳/۶	قطر
۲/۲	۲/۱	۱/۲	۰/۳	۱/۷	۴/۱	عربستان سعودی
۴/۰	۴/۰	۳/۵	۶/۷	۳/۲	۶/۱	ترکیه
۳/۳	۳/۳	۳/۱	۱/۴	۳/۰	۳/۸	امارات متحده عربی

منبع: بانک جهانی، گزارش «چشم‌انداز اقتصاد جهانی»

بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول نیز در گزارش‌های خود توصیه‌هایی برای شتاب‌گیری رشد اقتصادی ایران کرده‌اند. توصیه‌های بانک جهانی عبارت‌اند از:

- یکسان‌سازی نرخ ارز و رسیدگی به نظام ضعیف بانکی
- وضع قوانین و مقررات لازم در زمینه مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم
- توصیه‌های صندوق بین‌المللی پول نیز عبارت‌اند از:
- یکسان‌سازی نرخ ارز
- اصلاح در بخش مالی
- اصلاح ساختار نظام بانکی با تأکید بر نظارت بانکی



- ارتقای استقلال بانک مرکزی
- پایبندی ایران نسبت به اصلاحات مقررات مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم
- تجدید ساختار و افزایش سرمایه بانک‌ها به ویژه سرمایه‌گذاری در بانک‌های دولتی
- طراحی و اجرای سیاست مالی در میان‌مدت
- تسهیل مقررات در امور سرمایه‌گذاری
- حمایت از اشتغال‌زایی
- توسعه استراتژی مدیریت بدهی سالم
- بهبود توسعه صادرات غیر نفتی
- کاهش موانع اداری حوزه تجارت و افزایش توافقات تجاری دو جانبه و چند جانبه

۲-۱-۳ مؤسسه‌ی تریدینگ اکونومیکس^۱

تریدینگ اکونومیکس یکی از نهادهای اقتصادی معتبر بین‌المللی مستقر در آمریکا است که به آرایه‌ی خدمات مشاوره‌ی اقتصادی به بسیاری از کشورها و نهادهای اقتصادی می‌پردازد. این مؤسسه به صورت دوره‌ای اقدام به پیش‌بینی وضعیت اقتصادی کشورهای جهان می‌کند. یکی از مزیت‌های مهم پیش‌بینی اقتصادی این نهاد پیش‌بینی کوتاه‌مدت و بلندمدت آن است. این مؤسسه در پیش‌بینی‌های کوتاه‌مدت خود از آمارهای فصلی استفاده کرده است. همان گونه که در جدول (۵) مشاهده می‌شود، منظور از فصل اول ۲۰۱۷ تا ۲۰۱۸، میزان مقدار سالانه متغیر موردنظر در بازه فصل اول ۲۰۱۷ تا فصل اول ۲۰۱۸ است.

جدول ۵: برآورد و پیش‌بینی دوره‌ای مؤسسه Trading Economics از متغیرهای اقتصادی ایران در افق ۲۰۲۰

متغیرهای کلی	مارس ۲۰۱۷ (اسفند ۱۳۹۵)	فصل اول ۲۰۱۷-۲۰۱۸	فصل دوم ۲۰۱۷-۲۰۱۸	فصل سوم ۲۰۱۷-۲۰۱۸	۲۰۱۸	۲۰۲۰
نرخ بیکاری (درصد)	۱۱/۹	۱۱/۸	۱۲	۱۲/۱	۱۱/۷	۱۰/۸
نرخ تورم (درصد)	۹/۷	۹/۴	۹/۶	۹	۸/۲	۵/۹
تراز تجاری (میلیون دلار)	۵۰۵۹	۴۵۶۹	۴۳۶۵	۴۸۳۷	۴۸۹۷	۶۴۱۶
نسبت بدهی دولت به GDP	۳۵	۳۸	۳۸	۳۸	۳۸	۳۰
تولید ناخالص داخلی	مارس ۲۰۱۷ (اسفند ۱۳۹۵)	فصل اول ۲۰۱۷-۲۰۱۸	فصل دوم ۲۰۱۷-۲۰۱۸	فصل سوم ۲۰۱۷-۲۰۱۸	۲۰۱۸	۲۰۲۰
نرخ رشد تولید ناخالص داخلی	۱۲/۹	۱/۷	۴/۴	۴/۷	۴/۸	۵/۲
تولید ناخالص داخلی (میلیارد دلار)	۳۹۳	۳۶۴	۳۶۱	۳۵۸	۴۴۲	۴۵۱
تولید ناخالص داخلی (میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۳)	۱۸۹۵۰۰۰	۱۸۱۵۲۱۰	۱۸۰۹۷۱۷	۱۸۰۱۵۲۳	۱۷۹۲۹۷۶	۱۶۹۷۳۰۱

1 Trading Economics



تشکیل سرمایه ثابت ناخالص (میلیارد ریال)	۳۴۷۰۰۰	۳۴۵۱۵۱	۳۲۶۶۲۱	۳۴۵۳۰۳	۳۲۸۵۵۶	۳۰۸۹۴۹
سرنانه تولید ناخالص داخلی (دلار)	۵۷۵۷	۵۷۶۰	۵۶۹۹	۵۶۳۸	۵۵۷۷	۵۲۳۷
سرنانه تولید ناخالص داخلی براساس شاخص قدرت خرید (دلار)	۱۸۴۹۷	۱۶۹۰۸	۱۷۶۳۵	۱۸۳۶۱	۱۹۰۸۸	۱۸۸۶۸
ارزش افزوده بخش معدن (میلیارد ریال)	۴۴۲۰۰۰	۴۳۰۰۶۳	۴۲۷۱۷۰	۴۲۴۴۳۹	۴۲۱۷۶۵	۳۸۹۱۷۰
ارزش افزوده بخش خدمات (میلیارد ریال)	۸۵۹۰۰۰	۸۳۵۲۱۶	۸۲۹۷۰۴	۸۲۴۰۸۷	۸۱۸۵۵۵	۷۵۵۷۶۷
بازار کار	مارس ۲۰۱۷ (اسفند ۱۳۹۵)	فصل اول ۲۰۱۷-۲۰۱۸	فصل دوم ۲۰۱۷-۲۰۱۸	فصل سوم ۲۰۱۷-۲۰۱۸	۲۰۱۸	۲۰۲۰
نرخ بیکاری	۱۱/۹	۱۱/۸	۱۲	۱۲/۱	۱۱/۷	۱۰/۸
جمعیت شاغل (هزار نفر)	۲۳،۳۳۱	۲۳،۲۱۲	۲۳،۲۰۳	۲۳،۲۰۲	۲۳،۲۰۲	۲۳،۲۰۲
جمعیت (میلیون نفر)	۷۹/۷	۷۹/۹۳	۸۰/۱۴	۸۰/۳۵	۸۰/۵۶	۸۳/۳۵
متغیرهای قیمتی	مارس ۲۰۱۷ (اسفند ۱۳۹۵)	فصل اول ۲۰۱۷-۲۰۱۸	فصل دوم ۲۰۱۷-۲۰۱۸	فصل سوم ۲۰۱۷-۲۰۱۸	۲۰۱۸	۲۰۲۰
نرخ تورم	۹/۷	۹/۴	۹/۶	۹	۸/۲	۵/۹
شاخص قیمت مصرف کننده	۱۱۲/۴	۱۱۵	۱۱۶	۱۱۸	۱۱۹	۱۲۲
شاخص قیمت تولیدکننده	۲۵۸/۸	۲۶۱	۲۶۰	۲۵۳	۲۴۴	۲۴۸
تورم مواد غذایی و خوراکی	۱۳/۷	۱۰/۴	۹/۸	۹/۵	۹/۲	۸/۵
شاخص قیمت مسکن	۱۱۱/۴	۱۱۴	۱۱۶	۱۱۸	۱۱۹	۱۰۱
شاخص قیمت خدمات حمل و نقل	۱۰۸/۸	۱۱۰	۱۱۱	۱۱۱	۱۰۹	۱۰۷
تجارت خارجی	مارس ۲۰۱۷ (اسفند ۱۳۹۵)	فصل اول ۲۰۱۷-۲۰۱۸	فصل دوم ۲۰۱۷-۲۰۱۸	فصل سوم ۲۰۱۷-۲۰۱۸	۲۰۱۸	۲۰۲۰
صادرات (میلیون دلار)	۲۱۳۴۲	۲۹۴۰۳	۲۹۶۴۹	۲۸۹۵۸	۲۷۷۶۰	۲۹۵۵۷
واردات (میلیون دلار)	۱۶۲۸۳	۱۹۸۱۲	۲۱۸۴۷	۲۰۳۳۴	۱۸۸۲۳	۲۱۵۱۶
تراز بازرگانی (میلیون دلار)	۵۰۵۹	۹۵۹۱	۷۸۰۲	۸۶۲۴	۸۹۳۷	۸۰۴۱
نسبت تراز تجاری به GDP	۶/۳	۶/۱	۶/۱	۶/۱	۶/۱	۶/۵
تولید نفت خام (BBL/D/1K)	۳۸۱۰	۳۸۴۷	۳۸۳۱	۳۸۵۰	۳۸۴۵	۳۸۵۴
سرمایه گذاری خارجی (میلیون دلار)	۸۷۶/۹	۶۷۴	۷۰۰	۷۲۷	۷۵۳	۴۲۰۷
دولت	مارس ۲۰۱۷ (اسفند ۱۳۹۵)	فصل اول ۲۰۱۷-۲۰۱۸	فصل دوم ۲۰۱۷-۲۰۱۸	فصل سوم ۲۰۱۷-۲۰۱۸	۲۰۱۸	۲۰۲۰



نسبت بدهی دولت به GDP	۳۵	۳۸	۳۸	۳۸	۳۸	۳۰
نسبت کسری بودجه دولت به GDP	-۲/۱	-۱/۱۴	-۱/۲۱	-۱/۲۷	-۱/۳۴	-۱/۰۹
تراز بودجه دولت (میلیارد ریال)	-۵۹۲۸۹۲	-۵۷۴۱۰۳	-۵۸۷۳۷۷	-۶۰۰۶۵۱	-۶۱۲۵۲۲	-۶۸۰۷۰۳
درآمد دولت (میلیارد ریال)	۱۱۲۳۷۴۶	۱۱۲۹۲۵۷	۱۱۷۸۵۷۹	۱۲۲۷۹۰۰	۱۲۷۷۲۲۲	۱۶۲۸۰۴۶
کسب‌وکار	مارس ۲۰۱۷ (اسفند ۱۳۹۵)	فصل اول ۲۰۱۷-۲۰۱۸	فصل دوم ۲۰۱۷-۲۰۱۸	فصل سوم ۲۰۱۷-۲۰۱۸	۲۰۱۸	۲۰۲۰
رشد تولیدات صنعتی (درصد)	۱۱/۳	۸/۴	۷/۲۱	۶/۱۱	۵/۴۹	۵/۸۹
تولیدات فولاد (هزار تن)	۱۹۸۰	۱۸۷۹	۱۸۵۸	۱۸۴۸	۱۸۴۳	۱۸۳۹
شاخص تسهیل کسب‌وکار	۱۲۴	۱۳۰	۱۳۲	۱۳۵	۱۳۷	۱۴۲
شاخص فساد	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰
رتبه جهانی فساد	۱۳۰	۱۳۰	۱۳۰	۱۳۰	۱۳۰	۱۳۰
تولید خودرو	۹۵۸۳۳۵	۹۲۶۰۱۹	۹۵۷۴۰۴	۹۸۸۷۸۸	۱۰۲۰۱۷۳	۱۰۵۷۲۰۵
شاخص رقابت‌پذیری	۴/۲۷	۴/۱۴	۴/۱۴	۴/۱۴	۴/۱۴	۴/۱۵
رتبه جهانی رقابت‌پذیری	۶۹	۷۰	۷۰	۷۰	۷۰	۸۱

منبع: Trading Economics

براساس پیش‌بینی‌های این مؤسسه رشد تولید ناخالص داخلی در سال ۱۳۹۷ معادل ۴/۸ درصد خواهد بود و انتظار می‌رود نرخ رشد اقتصادی در سال ۲۰۲۰ به ۵/۲ درصد افزایش یابد. در این بین تولید ناخالص داخلی ایران از ۳۹۳ میلیارد دلار در پایان سال ۱۳۹۵ به ۴۴۲ میلیارد دلار در پایان سال ۱۳۹۷ افزایش خواهد یافت. در این راستا متوسط درآمد هر فرد ایرانی از ۵۷۵۷ دلار در سال ۱۳۹۵ به ۵۷۷۷ دلار در سال ۱۳۹۷ افزایش خواهد یافت. با این وجود میزان تشکیل سرمایه ناخالص از ۳۴۷ هزار میلیارد ریال در سال ۱۳۹۶ به ۳۲۹ هزار میلیارد ریال کاهش خواهد یافت.

براساس گزارش‌ها این نهاد انتظار می‌رود نرخ بیکاری در پایان سال ۱۳۹۷ به ۱۱/۷ درصد و تا سال ۱۳۹۹ به ۱۰/۸ درصد کاهش یابد. در میان شاخص‌های قیمتی اگرچه پیش‌بینی‌های این نهاد حاکی از کاهش نرخ تورم است اما پیش‌بینی‌های شاخص قیمت مسکن بیانگر افزایش قیمت مسکن در سال ۱۳۹۷ است. شاخص قیمت مسکن از ۱۱۱ واحد در سال ۱۳۹۵ به ۱۱۹ در سال ۱۳۹۷ افزایش خواهد یافت اما در بلندمدت تا سال ۱۳۹۹ به ۱۰۱ واحد کاهش می‌یابد که با فرض تغییرات هرم جمعیتی منطقی به نظر می‌رسد.

حساب‌های بازرگانی و تجاری بیانگر افزایش تراز تجاری از ۵/۰۵۹ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۵ به ۸/۹۳۷ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۷ است. براساس پیش‌بینی‌های این نهاد، صادرات کالا و خدمات از ۲۱/۳ میلیارد دلار از سال ۱۳۹۵ با رشد ۲۳ درصدی طی دو سال به ۲۷/۷ میلیارد دلار افزایش خواهد یافت. واردات کالا و خدمات نیز از ۱۶/۲ میلیارد دلار از سال ۱۳۹۵ با رشد ۱۳ درصدی طی دو سال به ۱۸/۸ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۷ افزایش خواهد



یافت. همچنین انتظار می‌رود تولیدات نفت ایران با رشد محدودی افزایش یابد. با این وجود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی طی دو سال از ۸۷۶/۹ میلیون دلار در سال ۱۳۹۵ با افت ۱۴/۱ درصدی به ۷۵۳ میلیون دلار در سال ۱۳۹۷ کاهش خواهد یافت اما در افق ۲۰۲۰ با رشد بیش از ۵/۵ برابری به ۴/۲ میلیارد دلار افزایش خواهد یافت.

در بخش دولتی با وجود رشد محدود نسبت بدهی دولت به GDP که حاکی از افزایش اندازه دولت است، نسبت کسری بودجه دولت به GDP افت محسوسی خواهد داشت و از ۲/۱- درصد در سال ۱۳۹۵ به ۱/۳۴- درصد در سال ۱۳۹۷ خواهد رسید. همچنین کسری بودجه دولت از ۵۹۳ هزار میلیارد ریال در سال ۱۳۹۵ با رشد ۳/۲ درصدی به ۶۱۲/۵ هزار میلیارد ریال در سال ۱۳۹۷ و ۶۸۱ هزار میلیارد ریال در افق ۲۰۲۰ افزایش خواهد داشت.

در بخش فضای کسب و کار، رشد تولیدات صنعتی از ۱۱/۳ درصد در سال ۱۳۹۵ به ۵/۴۹ درصد در سال ۱۳۹۷ کاهش می‌یابد که در این بین به عنوان نمونه تولیدات فولاد از ۱/۹۸ میلیون تن در سال ۱۳۹۵ به ۱/۸۴ میلیون تن در سال ۱۳۹۷ کاهش خواهد یافت. البته تولیدات برخی محصولات نظیر خودرو طی این دوره افزایش خواهد داشت. به عنوان نمونه تولیدات خودرو از ۹۵۸ هزار خودرو در سال ۱۳۹۵ به ۱/۰۲ میلیون خودرو در سال ۱۳۹۷ افزایش خواهد یافت و در افق ۲۰۲۰ به بیش از ۱/۰۵۷ میلیون خودرو خواهد رسید. طی این دوره رتبه فساد ایران بدون تغییر در جایگاه ۱۳۰ جهان قرار خواهد داشت. اما شاخص کسب و کار در ایران با کاهش همراه خواهد بود و ایران در جایگاه ۷۰ جهان در سال ۱۳۹۷ قرار خواهد گرفت.

در مجموع می‌توان بیان داشت که از دیدگاه این نهاد وضعیت اقتصاد ایران در سال پیش‌رو و افق ۲۰۲۰ در اکثر موارد وضعیت مناسبی خواهد یافت.

۲-۲ پیش‌بینی نهادهای داخلی از وضعیت اقتصاد ایران در سال ۱۳۹۷

۲-۲-۱ مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارشی تحت عنوان «بررسی لایحه بودجه سال ۱۳۹۷ کل کشور، ابعاد کلان بودجه و چشم‌انداز اقتصاد ایران در سال ۱۳۹۷» پس از بررسی وضعیت موجود اقتصاد ایران و تحلیل لایحه بودجه سال ۱۳۹۷ به پیش‌بینی متغیرهای اصلی اقتصاد کشور پرداخته است. براساس این گزارش با توجه به رویکرد انقباضی بودجه سال ۱۳۹۷ در بهترین حالت می‌توان بیان داشت که بودجه عمومی دولت کمکی به رشد اقتصادی سال ۱۳۹۷ نخواهد کرد. براین اساس انتظار افزایش ارزش افزوده بخش کشاورزی به دلیل افت قابل توجه بارندگی در سال پیش‌رو بعید به نظر می‌رسد. همچنین ظرفیت مازادی در بخش نفت و عمده بخش‌های صنعتی اصلی وجود ندارد و از این رو انتظار می‌رود رشد اقتصادی در سال ۱۳۹۶ که در حدود ۴/۱ درصد برآورد می‌شود، در سال ۱۳۹۷ به ۳ درصد کاهش یابد.

در حوزه بازار کار، اشتغال‌زایی گسترده از طریق تزریق منابع مالی از سیستم بانکی آن‌طور که در لایحه بودجه سال ۱۳۹۷ پیش‌بینی شده با توجه به تجربیات ناموفق گذشته این سیاست در اشتغال‌زایی دور از ذهن است. ضمن آنکه تأمین بخشی از منابع پیش‌بینی شده برای این موضوع از طریق افزایش قیمت حامل‌های انرژی، خود اثر منفی بر

اشتغال‌زایی دارد چراکه بیشترین آسیب از ناحیه افزایش قیمت انرژی متوجه بنگاه‌های کوچک و متوسط است که بالاترین ظرفیت اشتغال‌زایی را دارند.

براساس این گزارش پیش‌بینی می‌شود نرخ تورم از ۱۰/۵ درصد در سال ۱۳۹۶ به ۱۱/۵ درصد افزایش یابد. البته در صورت افزایش نرخ حامل‌های انرژی، نرخ تورم ممکن است تا ۱۴/۳ درصد نیز افزایش یابد. همچنین بدون لحاظ رویدادهای نامتعارف (نظیر لغو برجام از سوی آمریکا، تشدید تنش‌های سیاسی در منطقه و...) انتظار می‌رود نرخ ارز در سال ۱۳۹۷ روند با ثبات و پایداری داشته باشد. از سوی دیگر با توجه به اتکای بالای بودجه ۱۳۹۷ به استقراض از بخش خصوصی از طریق انتشار اوراق تعهدزاد، انتظار نمی‌رود لایحه بودجه بتواند کمکی به رفع تنگنای مالی و کاهش نرخ سود بانکی کند. با توجه به احتمال افزایش نرخ تورم و حجم به نسبت بالای اوراق مالی، موفقیت هدف‌گذاری کنونی بانک مرکزی برای کاهش نرخ سود بانکی نیز محل تردید است. از طرف دیگر همین عوامل بر رشد نقدینگی نظیر سالهای اخیر مؤثر خواهد بود.

براساس پیش‌بینی‌های این مرکز، انتظار می‌رود قیمت سبد نفت خام اوپک در سال آتی به ۵۳ دلار کاهش یابد. در این رابطه برآورد قیمت نفت این مرکز برای سال ۱۳۹۶ در حدود ۵۵ دلار می‌باشد، این در حالی است که قیمت نفت در روزهای پایانی سال ۱۳۹۶، ۶۲ دلار بوده است.

جدول ۶: برآورد و پیش‌بینی مرکز پژوهش‌های مجلس از اقتصاد ایران طی سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷

سال ۱۳۹۷	سال ۱۳۹۶	
۳/۰	۴/۱	رشد اقتصادی
۱۱/۵	۱۰/۵	نرخ تورم*
۵۳/۲	۵۵	قیمت نفت
(۴۳۰۰-۴۴۵۰)	(۴۱۰۰-۴۲۰۰)	نرخ ارز (متوسط زمستان)

* در صورت افزایش قیمت حامل‌های انرژی به ترتیبی که در تبصره ۱۸ لایحه بودجه سال ۱۳۹۷ پیش‌بینی شده است، انتظار می‌رود ۲/۸ درصد به برآورد تورم سال ۱۳۹۷ اضافه گردد و نرخ تورم به ۱۴/۳ درصد افزایش یابد.

- در پایان این مرکزی با توجه به شرایط اقتصاد ایران و وضعیت بودجه توصیه‌های سیاستی زیر را ارائه است:
- بازنگری در هزینه‌های دولت از طریق حذف برخی هزینه‌های غیرضروری و افزایش بهره‌وری خدمات اجتماعی نظیر خدمات حوزه سلامت.
 - بازنگری در نظام بازنشستگی کشوری از جمله تغییر ساختار صندوق‌های بازنشستگی و افزایش میانگین سن بازنشستگی.
 - اهتمام در اجرای سیاست‌های رفاه اجتماعی از جمله حذف برخی افراد از دریافت یارانه یا افزایش یارانه برخی افراد دیگر.

۲-۲-۲ سازمان برنامه و بودجه

سازمان برنامه بودجه نیز در بهمن‌ماه سال ۱۳۹۶ بر پایه اطلاعات مرکز آمار ایران در گزارشی تحت عنوان «پیش‌بینی اقتصاد ایران در سال ۱۳۹۷»، رشد تولید ناخالص داخلی ایران را برای سال ۱۳۹۶، ۵ درصد و رشد تولید



ناخالص داخلی بدون نفت را ۵/۴ درصد برآورد کرده است. در این گزارش دو مؤلفه‌ی مهم و تأثیرگذار بر رشد اقتصادی، تورم و حتی نرخ بیکاری سال ۱۳۹۷، قیمت جهانی نفت خام و تحقق حجم واگذاری و مشارکت طرح‌های عمرانی و سرمایه گذاری پیشنهادشده در تبصره ۱۹ لایحه بودجه ۱۳۹۷، عنوان شده است. براساس گزارش این سازمان، با احتساب قیمت نفت ۶۰ دلاری و تحقق حجم واگذاری و مشارکت طرح‌های عمرانی و سرمایه گذاری (تبصره ۱۹ لایحه بودجه ۱۳۹۷) انتظار می‌رود در سال ۱۳۹۷، رشد تولید ناخالص داخلی معادل ۵/۷ درصد و رشد تولید ناخالص داخلی بدون نفت ۶ درصد باشد. همچنین نرخ تورم که براساس برآوردهای مرکز آمار ایران ۸/۹ درصد برای سال ۱۳۹۶ تخمین زده شده با رشد محدود ۰/۱ واحد درصد به ۹ درصد افزایش یابد. همچنین نرخ بیکاری نیز که برای سال ۱۳۹۶ در حدود ۱۲/۱ درصد برآورد شده با کاهش ۰/۹ واحد درصدی به ۱۱/۲ درصد کاهش یابد. با این وجود سناریو دیگری نیز برای سال آتی پیش‌بینی شده و آن قرار گرفتن قیمت نفت در کانال ۵۵ دلار است. با احتساب قیمت نفت ۵۵ دلاری که تا حدودی به واقعیت نزدیک است در صورت تحقق حجم واگذاری و مشارکت طرح‌های عمرانی و سرمایه گذاری (تبصره ۱۹ لایحه بودجه ۱۳۹۷) انتظار می‌رود رشد تولید ناخالص داخلی معادل ۵/۵ درصد، رشد تولید ناخالص داخلی بدون نفت ۵/۸ درصد باشد. همچنین نرخ تورم و نرخ بیکاری نیز به ترتیب به ۹/۱ و ۱۱/۳ درصد خواهد رسید.

جدول ۷: برآورد و پیش‌بینی سازمان برنامه و بودجه از وضعیت متغیرهای اقتصادی برای سال ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷

پیش‌بینی برای سال ۱۳۹۷		برآورد سال ۱۳۹۶	عنوان
قیمت نفت ۵۵ دلاری و تحقق تبصره ۱۹ لایحه بودجه ۱۳۹۷	قیمت نفت ۶۰ دلاری و تحقق تبصره ۱۹ لایحه بودجه ۱۳۹۷		
۵/۵	۵/۷	۵/۰	رشد اقتصادی
۵/۸	۶/۰	۵/۴	رشد اقتصادی بدون نفت
۹/۱	۹/۰	۸/۹	تورم (پایه مرکز آمار ایران)
۱۱/۳	۱۱/۲	۱۲/۱	بیکاری (پایه مرکز آمار ایران)

منبع: امور اقتصاد کلان - سازمان برنامه و بودجه

شایان ذکر است در محاسبات، استفاده از منابع صندوق توسعه ملی لحاظ شده و نتایج بدون توجه به اصلاح قیمت حامل‌های انرژی و بازتوزیع منابع حاصل از آن است.

۳- تحلیلی بر نرخ تورم و پیش‌بینی آن در سال ۱۳۹۷

تورم به وضعیتی اطلاق می‌شود که طی آن سطح عمومی قیمت‌ها به طور مداوم و به مرور زمان افزایش می‌یابد. نکته حائز اهمیت در این تعریف، وجود عنصر زمان و تداوم افزایش سطح عمومی قیمت‌ها است. به عبارت دیگر اگر قیمت‌ها در یک دوره خاص افزایش یابند و سپس این روند صعودی قطع شود به این روند تورم اطلاق نمی‌شود، چراکه افزایش صعودی در قیمت‌ها باید تداوم داشته باشد. اقتصاددانان برای توضیح دلایل بروز تورم نظریه‌های متعددی ارائه نموده‌اند. نظریه‌های اقتصادی در این رابطه را می‌توان در قالب سه گروه اصلی به شکل زیر طبقه‌بندی نمود:

- تورم ناشی از فشار تقاضا،
- تورم ناشی از فشار هزینه،
- تورم ساختاری.

۳-۱- مروری بر روند نرخ تورم طی یک دهه گذشته

نمودار (۱۳) درصد تغییرات شاخص بهای کالا و خدمات مصرفی^۱ (تورم) و شاخص بهای تولید کننده^۲ را طی یک دهه گذشته نشان می‌دهد. هم‌زمان با شروع برنامه چهارم نرخ تورم نیز روندی صعودی به خود گرفت، به‌طوری‌که از ۱۰/۴ درصد در سال ابتدایی برنامه (سال ۱۳۸۴) به ۲۵/۴ درصد در سال ۱۳۸۷ رسید. این نرخ صعودی شدید در ماه‌های پایانی سال ۱۳۸۷ متوقف و با سرعت بسیاری تغییر جهت داد و رو به کاهش رفت، به‌طوری‌که تورم اعلام شده برای سال ۱۳۸۸، رقم ۱۰/۸ درصدی را نشان می‌دهد. مشاهده‌ی این روند صعودی در سال‌های ابتدایی این برنامه در مقایسه با نرخ تثبیت شده‌ی بین ۱۵ تا ۱۶ درصد در سه سال پایانی برنامه سوم، ریشه در عوامل بسیاری در اقتصاد کشور دارد. اگرچه تنگناهای ساختاری اقتصاد ایران همانند اتکای شدید به منابع نفتی همواره به‌عنوان یکی از دلایل اصلی افزایش تورم مطرح می‌شود، اما کارشناسان علاوه بر این موارد از عوامل دیگری نیز به‌عنوان دلایل افزایش شدید تورم یاد می‌کنند. از مهم‌ترین این عوامل می‌توان به افزایش شدید نرخ رشد حجم پول اشاره کرد.

در دوره بعد از اصلاحات، نرخ رشد حجم پول ابتدا طی یک‌روند صعودی به مرز ۴۰ درصد در انتهای سال ۱۳۸۵ رسید. البته این نرخ در پاییز ۱۳۸۷ به کمتر از ۱۱ درصد کاهش یافت. ولی بار دیگر نرخ رشد حجم پول از پاییز ۱۳۸۷ افزایش یافته و در محدوده ۲۵ درصد نوسان کرد. همچنین عواملی از قبیل انتظارات تورمی، اتکای بالای بودجه دولت به درآمد حاصل از فروش نفت، سهم بالای هزینه‌های عوامل تولید خارجی در قیمت تمام‌شده محصولات داخلی، انتظارات تورمی جامعه و نقدینگی انباشته به‌عنوان سایر عوامل موثر بر افزایش نرخ تورم در این دوره محسوب می‌شوند.

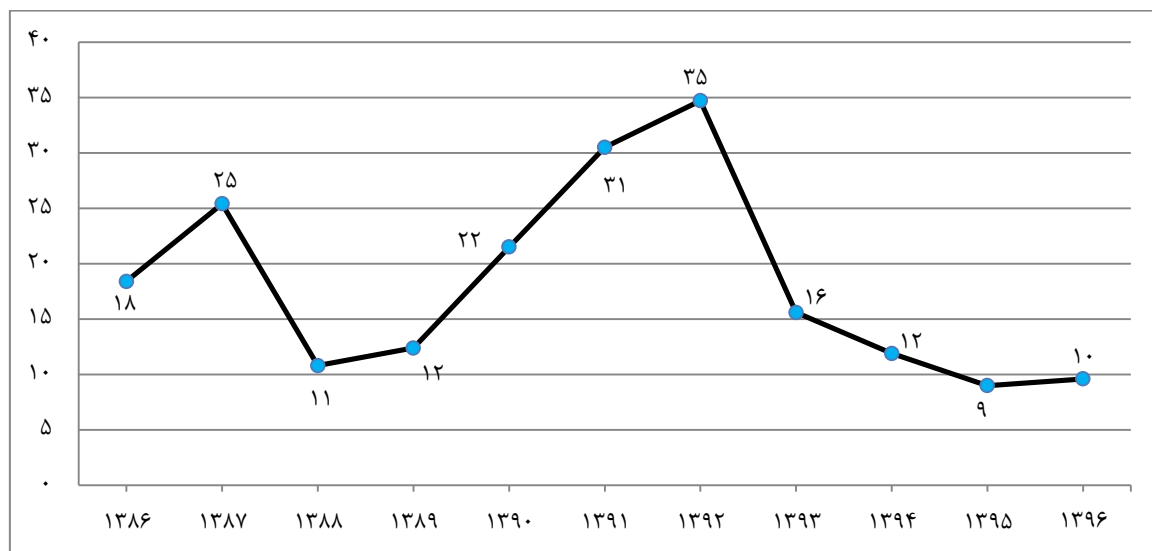
۱ شاخص قیمت مصرف کننده تغییرات در سطحی از قیمت کالاها و خدمات مصرفی خریداری شده بوسیله خانواده را اندازه گیری می‌کند.

۲ شاخص بهای تولیدکننده، متوسط قیمت کالاها و خدماتی است که بنگاه‌ها به ازای تولید کالا و خدمات دریافت می‌کنند.



در سال پایانی برنامه چهارم یعنی سال ۱۳۸۸ اقدام بانک مرکزی در کنترل شدید نقدینگی موجب کاهش نرخ تورم در کشور شد. در سال‌های ابتدایی برنامه پنجم با اجرای فاز اول طرح هدفمندی یارانه‌ها، نرخ تورم تشدید شد. پیاده‌سازی این طرح در شرایط حساس بین‌المللی به‌ویژه تشدید تحریم‌های نفتی و بانکی کشور توسط غرب شتاب بیشتری به نرخ تورم داد و با افزایش انتظارات تورمی (زیرا در این سال رشد شاخص بهای مصرف‌کننده کمتر از شاخص بهای تولیدکننده افزایش یافت) موجب شد تا نرخ تورم در سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ به ترتیب به ۳۰/۵ و ۳۴/۷ درصد افزایش یابد. با این وجود به دنبال بهبود چشم‌انداز کشور و کاهش شدید انتظارات تورمی (در پی توافقات هسته‌ای بین ایران و گروه ۵+۱) رو به کاهش گذاشت و با ادامه کاهش نرخ رشد نقدینگی و حجم پول، این نرخ در سال ۱۳۹۳ به کمتر از ۲۰ درصد رسید. ادامه سیاست کنترل تورم، در کنار کاهش تقاضای داخلی و کاهش انتظارات تورمی موجب شد تا نرخ تورم در پایان سال ۱۳۹۵ تک رقمی گردد و به ۹ درصد برسد. با این وجود تداوم فضای رکودی در کشور، افزایش نقدینگی و بی‌ثباتی در بازار ارز موجب شد تا نرخ تورم مجدداً در مسیر صعودی قرار گیرد و به ۹/۶ درصد در پایان سال ۱۳۹۶ افزایش یابد.

نمودار ۱۲: نرخ تورم طی سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۶ (درصد)



منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

۳-۲ پیش‌بینی نرخ تورم ایران در سال ۱۳۹۷ از نگاه نهادهای بین‌المللی و داخلی

اهمیت و نقش نرخ تورم در رشد اقتصادی به حدی مهم است که بسیاری از نهادهای بین‌المللی در گزارش‌های مربوط به وضعیت اقتصاد کشورهای جهان در کنار پیش‌بینی رشد اقتصادی به پیش‌بینی تورم این کشورها نیز می‌پردازند. جدول (۲۱) مهم‌ترین برآوردهای نهادهای بین‌المللی و داخلی از نرخ تورم در سال ۱۳۹۷ نشان می‌دهد.

جدول ۸: برآوردهای نهادهای بین‌المللی از نرخ تورم ایران در سال ۲۰۱۷ (درصد)

نهاد یا مؤسسه بین‌المللی	برآورد نرخ تورم در سال ۱۳۹۶	پیش‌بینی نرخ تورم در سال ۱۳۹۷
صندوق بین‌المللی پول	۱۰/۵	۱۰/۱۴
مؤسسه Trading Economics	۹/۴	۸/۲
مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی	۱۰/۵	۱۱/۵ (۱۴/۳)*
سازمان برنامه و بودجه	۸/۹	۹/۱

* در صورت افزایش قیمت حامل‌های انرژی منظور شده در لایحه بودجه ۱۳۹۷.

با بررسی پیش‌بینی‌های صورت گرفته توسط نهادها و مؤسسات بین‌المللی از نرخ تورم ایران در سال ۲۰۱۷ به نظر می‌رسد نرخ تورم در سال ۱۳۹۷ در دامنه ۸/۲-۱۴/۳ درصد قرار داشته باشد. با این وجود شوک ارزی اخیر که در فصل زمستان روی داد انتظارات برای افزایش نرخ تورم در سال ۱۳۹۷ از دیدگاه کارشناسان و خبرگان مالی و اقتصادی قابل قبول‌تر است.

۳-۳ پیش‌بینی نرخ تورم برای سال ۱۳۹۷

با بررسی تحلیل‌های صورت گرفته در خصوص نرخ تورم مشاهده می‌شود که مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر افزایش حدود ۰/۶ واحد درصدی نرخ تورم در سال ۱۳۹۶ (نسبت به پایان سال ۱۳۹۵) افزایش نرخ ارز، افزایش شرایط نااطمینانی در اقتصاد به‌ویژه در حوزه‌ی سرمایه‌گذاری و تخلیه تدریجی رشد نقدینگی سال‌های اخیر می‌باشد که این موارد موجب افزایش انتظارات تورمی در داخل شده است. نکته قابل توجه در خصوص تورم انتظاری این است که براساس یافته‌های محققین داخلی انتظارات تورمی تأثیر قابل توجهی بر نرخ واقعی تورم در سال‌های اخیر داشته است. از این رو با توجه به بهبود چشم‌انداز مثبت اقتصادی کشور در سال‌های پس از برجام، این امر موجب افت قابل توجه انتظارات تورمی شده و ادامه این وضعیت موجب افت نرخ تورم شد اما در ماه‌های اخیر به دنبال موارد ذکر شده در فوق، تورم انتظاری مجدداً در حال شکل‌گیری است که می‌تواند پایه افزایش سریع تورم در کشور را ایجاد کند. در ادامه برای بررسی دقیق‌تر عوامل مؤثر بر نرخ تورم به بررسی روند کلی این متغیرها پرداخته می‌شود.

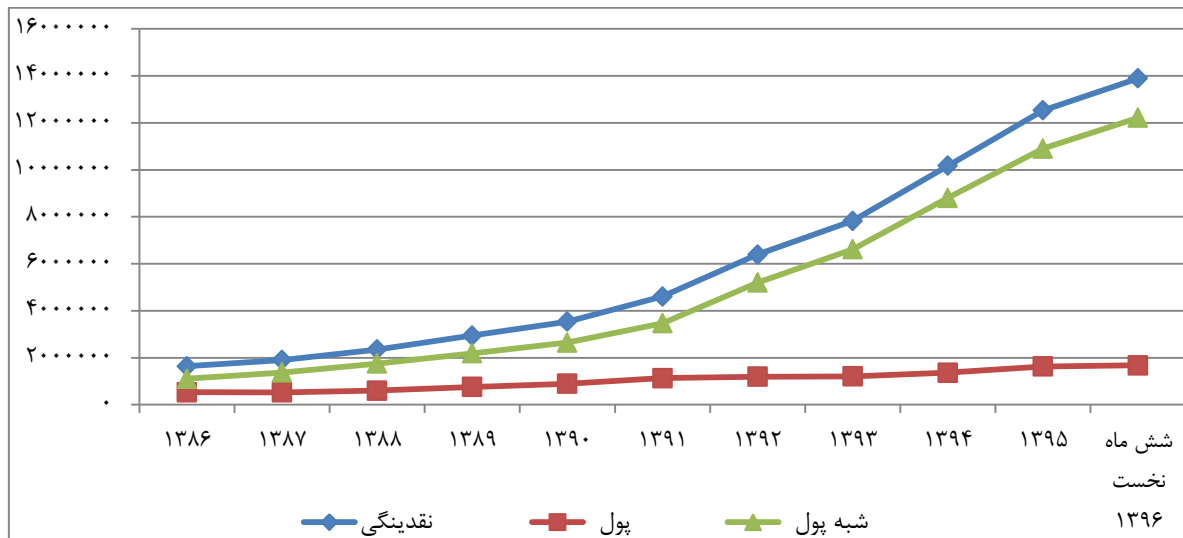
- نقدینگی

نقدینگی در ادبیات اقتصادی به‌عنوان مهم‌ترین متغیر تأثیرگذار بر تورم به‌حساب می‌آید. با بررسی روند نقدینگی طی سال‌های اخیر مشاهده می‌شود که بخش عمده‌ای از میزان نقدینگی مربوط به جزء شبه‌پول (حساب سپرده مدت‌دار) می‌باشد (نمودار ۱۴). با بررسی رابطه بین نقدینگی و تورم مشاهده می‌شود که رابطه بسیار نزدیکی بین نقدینگی و تورم وجود دارد به‌گونه‌ای که با افزایش رشد نقدینگی، نرخ تورم با کمی وقفه افزایش و با کاهش آن نرخ تورم کاهش می‌یابد (نمودار ۱۵). البته در سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۵ نرخ رشد نقدینگی بیش از نرخ تورم بود و عدم تعدیل بیشتر نرخ تورم را می‌توان به کاهش انتظارات تورمی به دلیل چشم‌انداز اقتصادی مناسب در پی حصول توافق



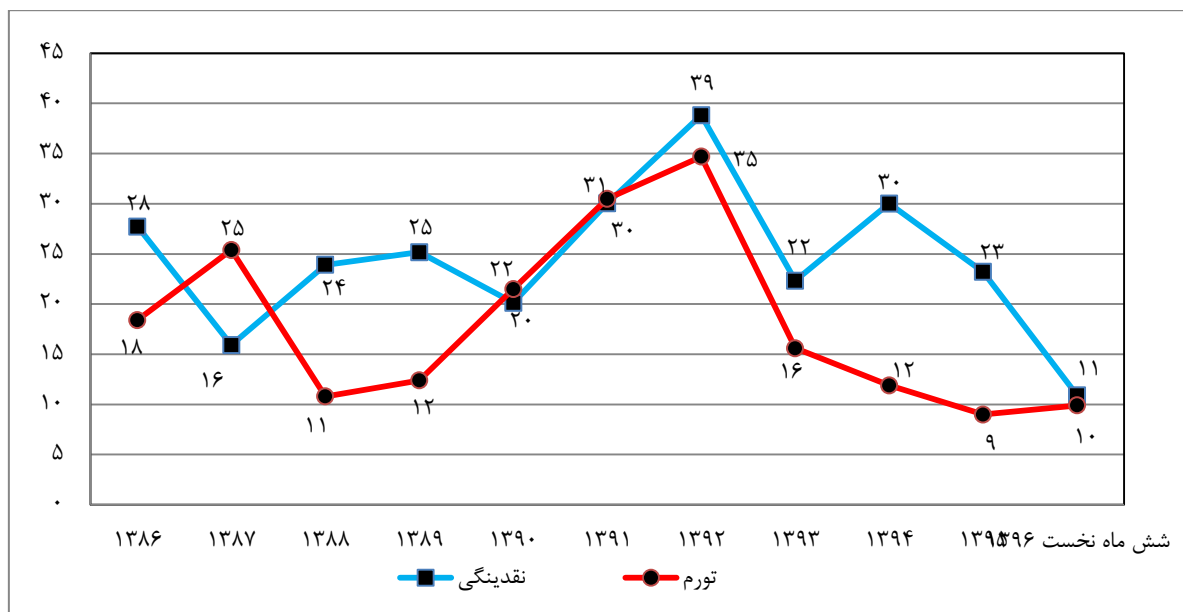
هسته‌ای نسبت داد. با این وجود رشد نقدینگی در این سال‌ها و عدم تعدیل نرخ تورم، پتانسیل بالقوه برای افزایش نرخ تورم در دوره‌های بعد (از محل تخلیه اثر رشد نقدینگی در این سال‌ها) ایجاد می‌کند.

نمودار ۱۳: روند نقدینگی و اجزای آن از سال ۱۳۸۶ تا شش ماه نخست سال ۱۳۹۶ (میلیارد ریال)



منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

نمودار ۱۴: نرخ رشد نقدینگی و نرخ تورم از ۱۳۸۶ تا شش ماه نخست سال ۱۳۹۶ (درصد)



منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

با توجه به شواهد نمودارهای بالا و نظریات موجود در این زمینه می‌توان به نقش مؤثر نقدینگی بر نوسانات نرخ تورم پی برد. با بررسی اجزای نقدینگی طی سال‌های پایانی دوره مورد مطالعه مشاهده می‌شود که اگرچه نرخ رشد نقدینگی در سه سال ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۵ به ترتیب در حدود ۲۲، ۳۰ و ۲۳ درصد رشد داشته است، اما نرخ تورم به دلیل انتظارات تورمی و سیاست‌های ضدتورمی دولت طی این دوره کمتر از رشد نقدینگی بوده و به ترتیب ۱۵/۶، ۱۱/۹ و ۹ درصد رشد داشته است که در این رابطه پتانسیل افزایش نرخ تورم در سال آتی وجود دارد، بخصوص با

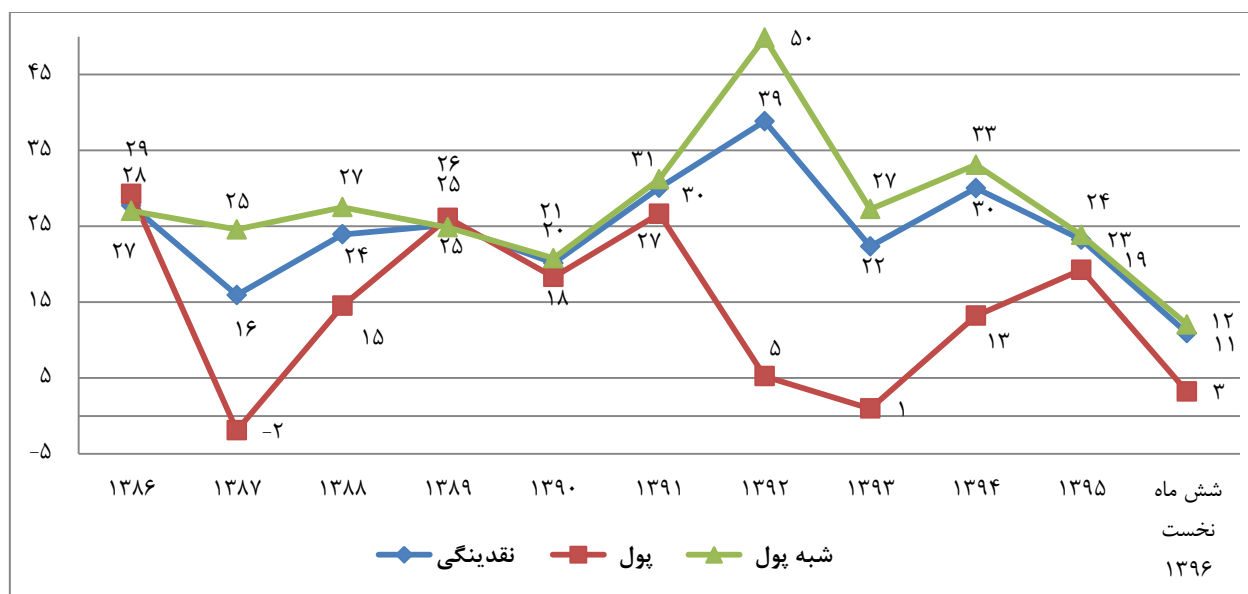
توجه به تعدیلی که در انتظارات تورمی در حال شکل‌گیری است. البته این موضوع را می‌توان در آمار شش ماه نخست سال ۱۳۹۶ نیز مشاهده کرد زیرا نرخ‌های رشد نقدینگی و تورم به شدت به یکدیگر نزدیک شده‌اند و در ماه‌های پایانی سال ۱۳۹۶ نرخ تورم در آستانه ورود به ۱۰ درصد بود. به بیان دیگر اثر رشد قابل توجه نقدینگی در سه سال مذکور تخلیه نشده و این امکان وجود دارد که در سال پیش‌رو تأثیرات خود بر تورم را آشکار کند. بنابراین بر پایه سه دلیل می‌توان به این نتیجه رسید که نرخ تورم در سال ۱۳۹۷ به روند صعودی با شیب هموار بازگردد. این سه دلیل به این شرح است:

۱- بخش عمده‌ای از نقدینگی متعلق به جزء شبه پول است. سهم این جزء از نقدینگی از ۶۷ درصد در سال ۱۳۸۷ به ۸۷ درصد در شش ماه نخست سال ۱۳۹۶ رسیده است، از این رو با توجه به تعدیل انتظارات تورمی این انتظار وجود دارد که بخشی از آن در سال آینده از بانک خارج شود که اثرات تورمی را به دنبال خواهد داشت (مگر آنکه نرخ سود بانکی افزایش یابد).

۲- با توجه به افزایش بیش از دو برابری نقدینگی نسبت به تورم طی سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۵ و کنترل اثر افزایشی آن بر تورم طی سال‌های اخیر، انتظار می‌رود، بخشی از اثرات این رشد قابل توجه، در سال ۱۳۹۷ تخلیه شود.

۳- افزایش قابل توجه نرخ ارز در بازار آزاد طی ماه‌های اخیر، تأثیر معنی‌دار و مثبتی بر نرخ تورم خواهد داشت.

نمودار ۱۵: نرخ رشد نقدینگی و اجزای آن از ۱۳۸۶ تا شش ماه نخست سال ۱۳۹۶ (درصد)



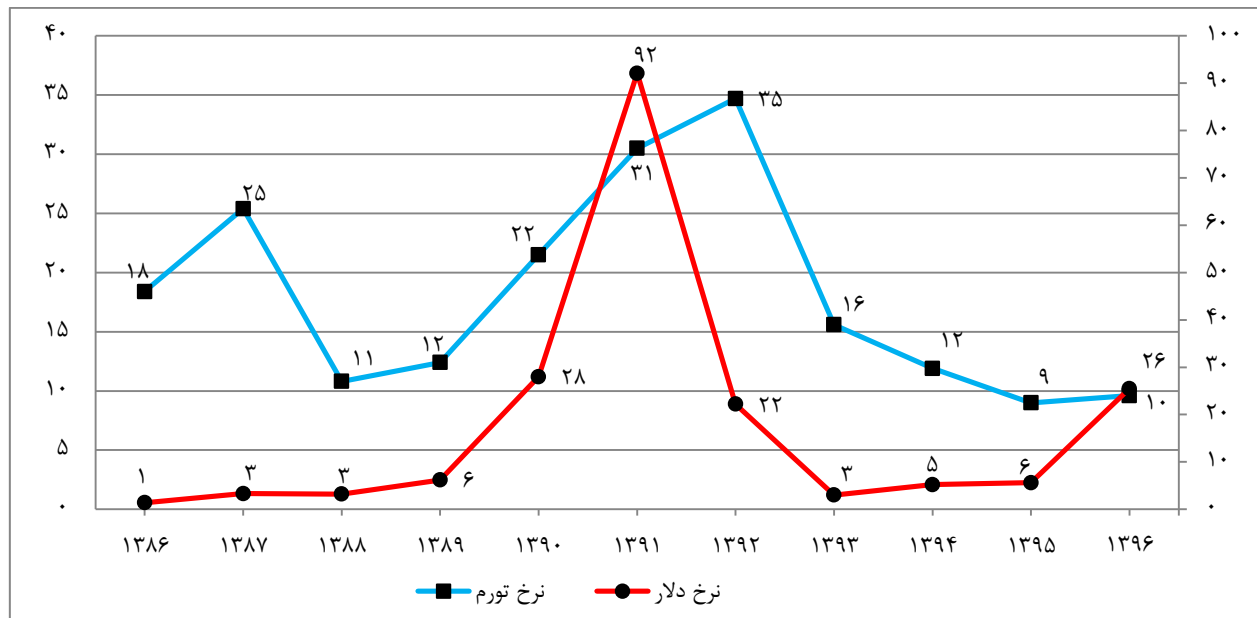
منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

در خصوص تأثیر نرخ ارز بر تورم باید به این نکته اشاره داشت که نرخ ارز نیز به عنوان یکی از مهم‌ترین متغیرهای تأثیرگذار بر تورم، نقش قابل‌توجهی در نوسانات قیمت کالا و خدمات عرضه‌شده در داخل کشور دارد. با افزایش نرخ ارز، قیمت دستگاه‌ها، ماشین‌آلات و محصولات نهایی وارداتی افزایش می‌یابد و با افزایش هزینه تولید نه‌تنها قیمت تمام‌شده محصولات خارجی افزایش می‌یابد، بلکه قیمت محصولات داخلی که از مواد اولیه محصولات خارجی در آن‌ها استفاده‌شده است نیز افزایش می‌یابد. از سوی دیگر با افزایش نرخ ارز تمایل بنگاه‌های داخلی به صادرات



افزایش می‌یابد و با افزایش صادرات، عرضه‌ی داخلی محصولات کاهش می‌یابد. برآیند کلی این رویدادها افزایش تورم خواهد بود. نمودار زیر نشان می‌دهد که نوسانات نرخ تورم و نرخ ارز طی سال‌های اخیر، رابطه مستقیمی با یکدیگر دارند.

نمودار ۱۶: درصد تغییرات نرخ دلار (آزاد) و تورم از طی سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۶ (درصد)



منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

۴- تحلیل بر نرخ ارز و پیش‌بینی آن در سال ۱۳۹۷

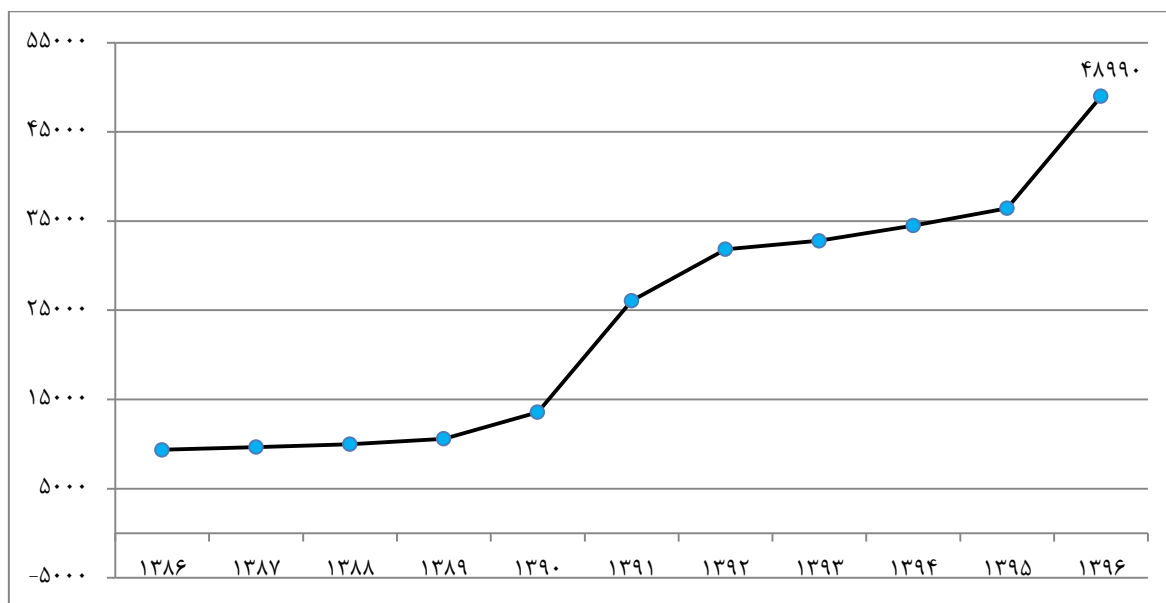
ارز و مدیریت آن همیشه دارای نقش پررنگی در اقتصاد ایران بوده و بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی به آن گره خورده است؛ به‌گونه‌ای که به دنبال نوسان و تغییرات نرخ ارز بخش‌های داخلی و خارجی اقتصاد از واردات و صادرات گرفته تا ترازهای تجاری و پرداخت کشور را تحت تأثیر قرار داده است. همان‌طور که تجربه سال‌های گذشته نشان داده با نوسان در نرخ ارز و به‌ویژه به دنبال افزایش قیمت آن، قیمت سایر کالاها نیز تحت تأثیر قرار گرفته و بر تورم تأثیرگذار بوده است.

نرخ ارز در اقتصاد ایران در سیر تاریخی خود تغییر و تحولات گسترده‌ای به خود دیده است. نظام ارزی در اقتصاد ایران تا سال ۱۳۸۰، یک نظام ارزی حداقلی دوبرخی شامل یک نرخ ارز رسمی ثابت و یک نرخ ارز غیررسمی (بازار آزاد) بوده است. در سال ۱۳۸۱ با اصلاح سیاست‌های ارزی و تجاری کشور - باهدف تسهیل تجارت و مقررات زدایی از بخش خارجی اقتصاد- و با اتکا به ذخایر مناسب ارزی، اندوخته حساب ذخیره ارزی و بسترسازی‌های مناسب در سال‌های قبل، یکسان‌سازی نرخ ارز با موفقیت اجرا شد و نظام ارزی کشور شناور مدیریت‌شده (با حداکثر نوسان ۱۰ درصدی) اعلام شد. از اوایل سال ۱۳۸۴، درآمدهای نفتی کشور به‌شدت افزایش یافت به‌طوری‌که درآمد صادرات نفتی کشور از حدود ۳۵ میلیارد دلار در سال ۱۳۸۳ به بیش از ۵۵ میلیارد دلار در سال ۸۴ و ۳۶۱ میلیارد دلار طی ۵ ساله منتهی به پایان سال ۱۳۸۸ شد. در این دوره به دلیل وفور درآمدهای ارزی، نرخ بازار آزاد و مرجع دوشادوش هم در محدوده نوسانی حداکثر ۱۰ درصد نوسان داشته و سیاست نرخ شناور مدیریت‌شده در محدوده نوسان ۱۰ درصدی موفق بود. در سال‌های ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ همگام با افزایش درآمدهای نفتی و رسیدن به سقف ۱۱۰ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۰ و افزایش دوباره نرخ تورم از ۱۱ درصد در سال ۱۳۸۸ به بیش از ۲۳ درصد در سال ۱۳۹۰، نرخ ارز در بازار آزاد از متوسط ۱۰ هزار ریال در سال ۱۳۸۸ به ۱۱ هزار در سال ۱۳۸۹ و ۱۹۱۵۰ ریال در سال ۱۳۹۰ افزایش یافت. در سال ۱۳۹۰ دنبال وقوع برخی رویدادهای نامتعارف (تحریم‌های اقتصادی) در حوزه صادرات نفت، نرخ ارز در بازار آزاد به‌شدت افزایش یافت و به‌تبع آن، افزایش نرخ ارز مرجع توسط بانک مرکزی در دستور کار قرار گرفت. با ورود به سال ۱۳۹۱، ارزش دلار در بازار آزاد روند صعودی با شیب تند را پیمود و در اواخر همان سال به نزدیکی ارقام ۴۰۰۰۰ ریال نیز رسید ولی با افزایش نظارت و اقدامات بانک مرکزی در بازار و همچنین ایجاد نرخ جدیدی با عنوان "نرخ اتاق مبادلات ارزی" و ایجاد ابهامات جدید در بازار (یکی از سیاست‌های موقتاً کارا به‌منظور جلوگیری از هجوم مردم به بازارهای ارز و طلا، افزایش ابهامات و افزایش ریسک حضور در بازار) این نرخ تا اواخر خرداد ۹۲ در محدوده ۳۵۰۰۰ ریال در حال نوسان بود. به دنبال تحولات سیاسی در خرداد ۱۳۹۲ و ایجاد چشم‌انداز مثبت در اقتصاد کشور، نرخ ارز روند نزولی خود را به‌شدت سپری نمود به‌گونه‌ای که این نرخ ظرف مدت کوتاهی تا محدوده ۳۲۰۰۰ ریال نیز افت پیدا کرد و در پاییز ۹۲ تا ۲۸۰۰۰ ریال نیز کاهش یافت، اما با توجه به اهداف سیاست‌گذاری شده بانک مرکزی در خصوص حفظ نرخ دلار در محدوده ۳۰۰۰۰ ریال از یک‌سو و افزایش تقاضای ارز در نتیجه افزایش واردات موجب شد تا در اواخر سال ۱۳۹۴ نرخ دلار به نزدیکی ۳۵۰۰۰ ریال نیز برسد. با آغاز سال ۱۳۹۵ نرخ ارز با شیب هموار به ۳۷۰۰۰ ریال تا اواخر آبان ماه افزایش یافت، اما پس از افزایش شاخص جهانی دلار در نتیجه انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، نرخ دلار داخلی حتی برای چند روز به بالاتر از ۴۰۰۰۰ ریال



افزایش یافت که در ادامه با خنثی شدن این شوک سیاسی و مدیریت بازار از سوی بانک مرکزی به ۳۶۵۰۰ ریال در پایان سال ۱۳۹۵ کاهش یافت. با آغاز سال ۱۳۹۶ و روی کار آمدن دولت جدید آمریکا و تهدیدات پیاپی آن در خصوص لغو برجام از یکسو و برخی ناهماهنگی‌ها در وصول مطالبات از کشورهای نظیر چین (بستن موقتی حساب‌ها بنابر اخبار غیررسمی) موجب شد تا نرخ دلار در این سال در مسیر صعودی قرار گیرد و با گذر از کانال حمایتی ۴۰۰۰۰ ریال منجر به افزایش تقاضای سفته‌بازی شد و نرخ آن تا آستانه ۵۰۰۰۰ ریال در پایان سال ۱۳۹۶ افزایش یافت. در این راستا افزایش تقاضای ارز برای مسافرت در ایام تعطیلات عید نوروز نیز بر این افزایش صحنه گذاشت.

نمودار ۱۷: روند نرخ دلار آزاد طی سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۶ (ریال)



منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

در خصوص پیش‌بینی نرخ دلار تا پایان سال ۱۳۹۷ می‌توان بیان داشت که در آغاز سال ۱۳۹۷ نرخ دلار به دلیل اثرات روانی حاکم بر بازار ارز به سرعت رشد کرد و از ۴۸۹۹۰ ریال در آخرین روز سال ۱۳۹۶ با رشد حدود ۲۵ درصدی به بیش از ۶۰۰۰۰ ریال در ۲۰ فروردین افزایش یافت و زمزمه‌های افزایش آن در روزهای بعد نیز به گوش می‌رسید. با این وجود در ۲۱ فروردین ماه سال جاری، ستاد اقتصادی دولت به منظور تثبیت بازار ارز، با اعلام یکسان‌سازی نرخ ارز (حذف نرخ ارز مبادله‌ای)، نرخ دلار را ۴۲۰۰۰ ریال تعیین کرد. در این راستا مقرر شده است از تاریخ ۲۱ فروردین سال ۱۳۹۷، بانک مرکزی نسبت به تأمین ارز برای تمام نیازهای قانونی، تجاری و تولیدی در چارچوب قوانین و مقررات صادرات و واردات و مقررات ارزی کشور بر مبنای هر دلار ۴۲۰۰۰ ریال اقدام کند. همچنین برخی محدودیت‌ها در خصوص میزان نگهداری و نحوه مبادله ارز (تا زمان تنظیم گزارش حاضر) اعمال شد. از این رو پیش‌بینی نرخ ارز تا پایان سال ۱۳۹۷ تا حدودی مبهم و بستگی به میزان کنترل بازار ارز از سوی دولت و بانک مرکزی دارد. در صورت کنترل بازار ارز، انتظار می‌رود نرخ دلار تا پایان سال ۱۳۹۷ با نرخ تورم تعدیل شود.



۵- پیش‌بینی قیمت جهانی نفت، طلا و فلزات اساسی

در بخش‌های گذشته به بررسی و پیش‌بینی متغیرهای اصلی اقتصاد ایران از نگاه نهادهای بین‌المللی و داخلی پرداخته شد. با توجه به وابستگی اقتصاد ایران به بازارهای جهانی نظیر نفت، طلا و فلزات اساسی در این بخش به بررسی پیش‌بینی‌های این متغیرها در سال ۲۰۱۸ (۱۳۹۷) پرداخته می‌شود. جدول (۲۰) پیش‌بینی بانک جهانی از قیمت نفت، طلا و برخی فلزات اساسی برای سال‌های ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۰ را نشان می‌دهد.

جدول ۹: پیش‌بینی قیمت نفت، طلا و برخی فلزات اساسی برای سال‌های ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۰ از سوی بانک جهانی (دلار)

محصول	۲۰۱۶	۲۰۱۷	۲۰۱۸	۲۰۱۹	۲۰۲۰
نفت خام	۴۲/۸	۵۳	۵۶	۵۹	۶۰
گاز طبیعی	۴/۵۶	۵/۵	۵/۶۶	۵/۸۳	۶
آلومینیوم	۱۶۰۴	۱۹۵۰	۱۹۶۸	۱۹۸۷	۲۰۰۵
مس	۴۸۶۸	۶۰۵۰	۶۱۱۸	۶۱۸۷	۶۲۵۷
سنگ آهن	۵۸/۴	۷۰	۵۷	۵۰	۵۰/۸
فولاد	۱۸۶۷	۲۳۰۰	۲۵۰۰	۲۴۸۳	۲۴۶۵
روی	۲۰۹۰	۲۹۰۰	۳۰۰۰	۲۹۴۵	۲۸۹۰
طلا	۱۲۴۹	۱۲۵۰	۱۲۳۸	۱۲۲۶	۱۲۱۴
نقره	۱۷/۱۵	۱۷	۱۶/۹۲	۱۶/۸۴	۱۶/۷۶

منبع: بانک جهانی

همان گونه که از پیش‌بینی‌های بانک جهانی مشاهده می‌گردد در سال ۲۰۱۸ ما شاهد افزایش قیمت جهانی نفت، گاز طبیعی و فلزات اساسی عمده (به استثنای سنگ آهن) خواهیم بود. در این راستا قیمت نفت به ۵۶ دلار افزایش و تا سال ۲۰۲۰ به ۶۰ دلار خواهد رسید. هر متر مربع گاز طبیعی نیز با رشد مداوم از ۵/۵ دلار در سال ۱۳۹۶ به ۵/۶۶ دلار در سال ۲۰۱۸ افزایش و تا سال ۲۰۲۰ به ۶ دلار خواهد رسید. فلزات اساسی نظیر آلومینیوم، مس روند صعودی را تا سال ۲۰۲۰ خواهد داشت اما قیمت سنگ آهن با افت ۲۳ درصدی در سال ۱۳۹۷ مواجه خواهد شد و در سال ۱۳۹۸ نیز با افت ۱۴ درصدی روبرو خواهد شد. قیمت فولاد و روی در سال ۱۳۹۷ با رشد همراه خواهد بود اما در دو سال ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ با افت قیمت جهانی همراه خواهند بود. در بازار فلزات گرانبها، انتظار می‌رود که قیمت هر انس طلا و نقره در سال ۱۳۹۷ کاهش و این روند کاهشی تا سال ۱۳۹۹ ادامه داشته باشد. در مجموع افزایش قیمت جهانی نفت و اکثر فلزات اساسی بر اقتصاد ایران که بخشی از محصولات صادراتی آن را نفت خام و فلزات اساسی تشکیل می‌دهند، مثبت ارزیابی می‌شود.



۶- جمع‌بندی

یکی از کلیدی‌ترین پارامترهای نشان‌دهنده وضعیت اقتصادی هر کشور، متغیر تولید ناخالص داخلی یا میزان رشد اقتصادی کشورها می‌باشد. بررسی دقیق این متغیر و پیش‌بینی صحیح آن، امکان اتخاذ اقدامات مناسب از سوی دولت، مردم، بنگاه‌های اقتصادی، سرمایه‌گذاران خارجی و... در راستای حداکثرسازی منافع خود را فراهم می‌کند. از این رو هدف اصلی این گزارش بررسی و تحلیل وضعیت جاری اقتصاد ایران و پیش‌بینی آن برای سال ۱۳۹۶ می‌باشد. در این رابطه در ابتدا به بررسی عناصر تولید ناخالص داخلی طی یک دهه گذشته براساس دو رویکرد (۱) ارزش افزوده و (۲) هزینه نهایی پرداخته شد. در رویکرد ارزش افزوده به محاسبه ارزش افزوده رشته فعالیت‌های اقتصادی اعم از کشاورزی، صنعت، معدن، نفت و خدمات پرداخته می‌شود و در رویکرد دوم هزینه مصرفی و سرمایه‌گذاری صورت گرفته از سوی خانوار، بنگاه‌ها و دولت محاسبه می‌شود. سپس با بررسی آمارهای داخلی منتشرشده و برخی گزارش‌های مربوطه، پارامترها و متغیرهای تأثیرگذار بر رشد اقتصادی احصاء و اثرات هر یک بر رشد اقتصادی به صورت کمی مدل‌سازی و استخراج شد. یافته‌های این بخش نشان می‌دهد، رشد اقتصادی کشور طی سال‌های اخیر از برخی از محدودیت‌های نامتعارف (تحریم‌های اقتصادی) و همچنین ناپایداری متغیرهای کلان اقتصادی اعم از تورم، ارز، نرخ سود بانکی تأثیر قابل‌توجهی پذیرفته اما با لغو تحریم‌های اقتصادی و ایجاد ثبات نسبی در متغیرهای کلان اقتصادی، رشد اقتصادی در دو سال اخیر به نرخ‌های پیش از تحریم‌های اقتصادی رسیده است. در ادامه با گردآوری پیش‌بینی‌های صورت گرفته توسط نهادهای بین‌المللی به بررسی پیش‌بینی‌های این نهادها از وضعیت اقتصاد کشور در سال ۱۳۹۷ پرداخته شد. بر این اساس پیش‌بینی این نهادها از رشد اقتصادی ایران در سال ۱۳۹۷ در دامنه ۳/۸ تا ۴/۸ درصد است. پیش‌بینی این نهادها نشان می‌دهد که وضعیت برخی از متغیرهای اقتصادی در سال آتی تا حدودی مناسب و برخی دیگر قابل تعریف نخواهد بود. در این راستا برخی ریسک‌های غیراقتصادی متغیرهایی نظیر سرمایه‌گذاری خارجی و تراز تجاری را تحت تأثیر قرار خواهد داد. البته برخی توصیه‌ها نیز از سوی این نهادها در جهت تسریع در رشد اقتصادی ایران پیشنهاد شده که می‌توان به مواردی نظیر اصلاح نظام بانکی، تسهیل شرایط سرمایه‌گذاری و تقویت بخش‌های اشتغال‌زا اشاره نمود. پیش‌بینی نهادهای داخلی از رشد اقتصاد ایران نیز در دامنه ۳ تا ۵/۷ درصد است. بنابراین براساس پیش‌بینی‌های نهادهای داخلی و بین‌المللی، انتظار می‌رود نرخ رشد اقتصادی در سال ۱۳۹۷ در دامنه ۳ تا ۵/۷ درصد قرار گیرد. در ادامه با توجه به اهمیت دو متغیر تورم و نرخ ارز به بررسی، تحلیل و پیش‌بینی این دو متغیر پرداخته شد. براساس پیش‌بینی‌های صورت گرفته در این بخش انتظار می‌رود، نرخ تورم تا پایان سال ۱۳۹۷ به دلیل تعدیل تدریجی افزایش نقدینگی (در طول سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۵)، انتظارات تورمی و نرخ ارز افزایش یابد. با توجه به افزایش حدود ۲۵ درصدی نرخ دلار در اوایل سال جاری و تعیین نرخ دستوری (کاهش بیش از ۳۰ درصد نرخ بازار آزاد) از سوی ستاد اقتصادی دولت، پیش‌بینی نرخ ارز تا پایان سال ۱۳۹۷ با ابهام مواجه است. با این وجود روند تغییرات نرخ ارز در ماه‌های آتی بستگی به میزان کنترل بازار ارز از سوی دولت و بانک مرکزی دارد. در صورت کنترل بازار ارز، انتظار می‌رود نرخ دلار تا پایان سال ۱۳۹۷ با نرخ تورم تعدیل گردد. در غیر اینصورت انتظار بازگشت نرخ ارز در مسیر صعودی با شیب تند وجود دارد. پیش‌بینی قیمت‌های جهانی نیز حاکی از افزایش قیمت نفت و گاز و اکثر فلزات اساسی عمده و



کاهش قیمت جهانی طلا در سال ۱۳۹۷ است که می‌تواند تأثیر مثبتی بر اقتصاد ایران داشته باشد. شایان ذکر است، پیش‌بینی‌های صورت گرفته بدون لحاظ ملاحظات سیاسی صورت گرفته است.